

درآمدی بر اصول و کارکرد نقد در الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام

۹۷-۶۹

— علی راد

دانشیار دانشگاه تهران (پروفسور فارابی)

An Introduction to the Principles and Function of Criticism

In *al-Sahih men Sirat al-Imam Ali* by Seyyed Ja'far Morteza Āmeli

By: Ali Rad

Abstract: Āmeli, one of the Imamiya contemporary biography (sira) writers in *al-Sahih men Sirat al-Imam Ali*, has a special theory in criticizing and assessing the historical-hadith accounts. This theory is based on the principles that form the basis of his theory in criticism; it has also brought about some achievements for Āmeli regarding writing the biography of Imam Ali (AS). The main issue of this research is the retrieval and analysis of the principles and functions of criticism theory in *al-Sahih men Sirat al-Imam Ali (AS)*. The most important features of this criticism theory are its being holistic, moderate, authentic, prudent, and Qur'an-centric. Editing the scripture, defending the virtues, responding to the doubts, being innovative, and studying the doctrines are among the functions of Āmeli's criticism theory in writing the biography of Ali (AS). The result of the research is to emphasize on Āmeli's methodological approach to al-Sira's criticism and to describe the dimensions of analytic-critical biography writing in *al-Sahih men Sirat al-Imam Ali (AS)*.

Key words: Criticism theory, critical biography (Sira) writing, Ja'far Morteza Āmeli, Imam Ali's Sira (biography).

مدخل لدراسة أصول النقد ووظيفته في كتاب الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام للسيد جعفر مرتضى العاملي

الخلاصة: يقدم المحقق العاملي - أحد كتّاب السيرة المعاصرين من الشيعة - في كتابه الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام نظريّة خاصّة في نقد وتقييم المقولات التاريخية الحديثية. وهذه النظرية تستند على أصول تمثل أساس نظريته في النقد، وكان لها آثارها المتجليّة في تدوين المحقق العاملي لسيرة الإمام علي عليه السلام.

والمسألة الأصليّة في هذا المقال هي المطالعة والتحليل الموثق لمبادئ وتطبيقات نظريّة النقد المتبعة في الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام. وأهمّ أصول النظرية النقدية للمحقق العاملي هي مراعاة النظرة الشمولية، والاعتدال، والأصالة، والاحتياط، والتوقيت، ومحورية القرآن، والتيارات الفكرية.

أمّا ثمار النظرية النقدية للمحقق العاملي في كتابة سيرة الإمام علي عليه السلام فتتمثل بتشذيب النصوص، والدفاع عن الفضائل، وتفنيد الشبهات، والتجديد والإبداع والتعليم.

وما يتوصل له المقال هو التأكيد على منهجية المحقق العاملي في نقد السيرة والتوصيف التحليلي النقدي لأبعاد تدوين السيرة في كتاب الصحيح من سيرة الإمام علي عليه السلام.

المفردات الأساسية: النظرية النقدية، التدوين النقدي للسيرة، جعفر مرتضى العاملي، سيرة الإمام علي عليه السلام.

چکیده: محقق عاملی از سیره نگاران معاصر امامیه در الصحيح من سيرة الإمام علي (ع) دارای نظریه خاص در نقد و سنجش گزارش های تاریخی - حدیثی است؛ این نظریه بر اصولی استوار است که اساس نظریه وی را در نقد تشکیل می دهند؛ هم چنین پیامدهایی را برای محقق عاملی در سیره نگاری علی (ع) به ارمغان آورده است. مسئله اصلی این پژوهش بازبانی و تحلیل استنادی اصول و کارکردهای نظریه نقد در الصحيح من سيرة الإمام علي (ع) است. مهم ترین اصول نظریه نقد محقق عاملی جامع نگری، اعتدال، اصالت، احتیاط، تاریخ گذاری، قرآن محوری و جریان شناسی است. پیرایش نصوص، دفاع از فضائل، پاسخ به شبهات، نوآوری و ابداع و آموزه شناسی از جمله کارکردهای نظریه نقد محقق عاملی در سیره نگاری علی (ع) است. برآیند پژوهش تأکید بر روشمندی محقق عاملی در نقد السیره و توصیف ابعاد سیره نگاری تحلیلی - انتقادی الصحيح من سيرة الإمام علي (ع) است.

واژگان کلیدی: نظریه نقد، سیره نگاری انتقادی، جعفر مرتضى عاملی، سیره امام علی (ع).



درآمد

آموزه‌های اسلامی بر ژرف‌نگری^۱ و ستردن سخن و عمل از هر نوع ناخالصی تأکید دارند^۲ و نقادی و ژرف‌اندیشی را از اوصاف مؤمنان^۳ و راز مانایی و والایی فرد و جامعه می‌دانند.^۴ بر پایه این فرهنگ روا نیست پژوهشگر حوزه دین به هر رطب و یابسی در استدلال و داوری استناد جوید و از سر هوا و هوس، ظن و احتمال، و با تکیه بر منبع سست و ضعیف سخن براند.^۵ در مواجهه با نظریه رقیب نیز باید به همین سان عمل کند. وصف بنیادهای نظری یک مکتب، معمولاً در قالب «نظریه» طراحی و ارائه می‌شود.^۶ این مهم را بزرگان متخصص هر مکتب، با استناد به منابع علمی آن انجام می‌دهند و نظریه مکتبشان را در عرصه‌های گوناگون اندیشه و عمل تبیین می‌کنند و آن را مبنای خود و دیگران در توصیف و نقد مکتب خویش قرار می‌دهند. این قاعده در تمامی مکاتب فکری، مقبول متفکران حوزه علوم اسلامی و انسانی است. از این رو در مطالعات انتقادی آشنایی دقیق ناقد با نظریه مقبول رقیب اهمیتی مضاعف دارد و بایسته است ناقد در چارچوب نظریه مقبول به نقد و بررسی دیدگاه مقابل بپردازد. بدون فهم کامل یک نظریه، اقدام به نقادی، جهدی بی‌توفیق است. تقریر معیوب و فهم معوج یک نظریه، ابطال آن را آسان می‌کند، اما چنین ابطالی را چه سود؟^۷ نقد بدون فهم و رد بدون درک، نشانه گستاخی جاهلانه و حق‌شناسی نقاد است.^۸ پس صحت و اعتبار نقد، وابستگی تام به اشراف علمی ناقد به نظریه رقیب دارد و همین نکته، مرز نقد با تخریب را روشن می‌کند؛ چراکه نقد به معنای سنجش یک دیدگاه بر پایه ترازوی منطق علمی است و تعیین اعتبار، صحت و دقت آن بر معیاری استوار است که از آن با عنوان اصل تقدم فهم بر نقد یاد می‌شود.^۹

تقریر روشن دیدگاه مخالف نزد دانشمندان مسلمان حاکی از دقت نظر آنان در رعایت

* تقدیم به روح مینوآشیا سیره‌پژوه شهیر معاصر شیعه علامه سیدجعفر مرتضی عاملی؛ عالمی که نزدیک به نیم قرن در آستان نبوت و ولایت قلم زد و از آموزه‌های تشیع دفاع کرد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد! سپاس از استاد فرهیخته و ارجمندم جناب حجت‌الاسلام و المسلمین مهدوی راد (زید عژه) که از سر لطف و کرامت با پیشنهاد نگارش این مقاله، فرصتی دوباره برای بنده فراهم کرد تا بیش از پیش با بلندای اندیشه و صلابت قلم محقق فرزانه لبنان آشناتر شوم.
۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۵.
۲. حر عاملی، الجواهر السنیه، ص ۸۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۲.
۳. دیلمی، حسن، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، ص ۸۷.
۴. عبس؛ ۲۴؛ برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰.
۵. فدایی، غلامرضا؛ «نقد معیار و معیار نقد»؛ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۷، دی ۱۳۹۶، ص ۱۲۷-۱۳۰.
۶. شایان مهر، علیرضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی؛ نشر کیان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳؛ دلاور، علی؛ مبنای نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رشد، تهران، ۱۳۷۴، ص ۵۲.
۷. قراملکی، احد فرامرز؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰.
۸. اسفندیاری، محمد؛ «درک‌کردن و رد‌کردن»؛ آینه پژوهش؛ شماره اول، سال پنجم، ص ۲-۱۴.
۹. نقد علمی و روشمند معیارهای دیگری نیز دارد. بنگرید: فدایی، غلامرضا؛ «نقد معیار و معیار نقد»؛ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۷، دی ۱۳۹۶، ص ۱۳۵-۱۴۰.

این اصل مهم در نقد علمی است. شتاب زدگی در مقام نقد، مانع از فهم دقیق ناقد می‌شود و نقد بدون فهم درست دیدگاه مخالف، مصداق این تعبیر است: «خود می‌کشی و خود تعزیه می‌کنی» یا «خود می‌گویی و خود می‌خندی». ^{۱۰} همچنین پرهیز از نقد گوینده به جای نقد سخن، و احتراز از مغالطه انگیزه و انگیزه‌ناظر (نظریه) از شرایط نقد بی‌طرفانه است. این اصل نقش مؤثری در نقد و ارزیابی بی‌طرفانه نظریات دارد و در روایات متعددی بر این اصل تأکید شده است که در مقام نقد به سخن نگاه کنید، نه به سخنگو. ^{۱۱} البته معنای این سخن، نفی اعتبار و سلب اهمیت از نقد انگیزه‌ها نیست، بلکه تأکید بر این نکته است که از نقد انگیزه‌ها نمی‌توان نقد انگیزه‌ناظر را استنتاج کرد. ^{۱۲} نکات سه‌گانه پیشین را تذکر دادیم تا تأکید کنیم که اولاً نظریه‌پردازی در هر حیطه از علوم انسانی و اسلامی بر شناخت و نقد اولویت دارد. ثانیاً اینکه نادیده‌گرفتن اصول علمی و اخلاقی نقد موجب مغالطه می‌شود و حقیقت را دگرگون می‌کند. ^{۱۳} کاربری نقد در اندیشه و تحقیق موجب رشد و تقویت گفتمان تفکر انتقادی در پژوهش‌های دینی است. اساس تفکر انتقادی، ^{۱۴} قضاوت موقت یا معلق است و پایه این تعلیق، تحقیق در تعیین ماهیت مسئله است پیش از آنکه اقدامی برای حل آن به عمل آید. ^{۱۵}

محقق عاملی در مجموعه سترگ الصحیح من سیرة الإمام علی (ع) ضمن تقریر نظریه امامیه در سیره‌نگاری علی (ع) با رویکرد نقادانه به شبهات و مناقشات پاسخ می‌دهد و سیره‌نگاری انتقادی. تحلیلی عالمانه‌ای را به تصویر می‌کشد؛ زیرا از تاریخ تحلیلی ^{۱۶} و نقد علمی توأمان بهره‌مند است. نقادی محقق عاملی استوار بر اصول و مبانی خاص وی در نقد و تحلیل نصوص سیره‌نگاری علی (ع) است که در هر دو گونه نقد ایجابی و نقد سلبی به این اصول التزام دارد. در نقد ایجابی با ژرف‌نگری و کاربری اصول نقد به تبیین و استنباط مدالیل و مقاصد نصوص سیره علی (ع) می‌پردازد. به همین سان در نقد سلبی برای اعتبارسنجی و آسیب‌شناسی نصوص و منابع سیره از این اصول بهره‌مند است. برآیند کاربری این اصول فواید و نتایجی را برای محقق عاملی در سیره‌نگاری انتقادی به دنبال دارد که ضمن تنقیح نصوص، ابداع و نوآوری در تحلیل، قدرت و قوت وی را در نقد و دفاع از شبهات سیره علی (ع) مضاعف کرده است. این پژوهش با روش توصیفی. تحلیلی در دو بخش اصول نقد و کارکرد نقد با استناد به نمونه‌هایی از ده جلد نخست ^{۱۷} این مجموعه تلاش دارد رویکرد نقادانه محقق عاملی را در سیره‌نگاری علی (ع) ترسیم کند و دو مؤلفه مهم از نظریه نقد وی را در بخش اصول نقد و کارکرد نقد تحلیل کند.

گفتار اول: اصول نقد

در این جستار به تبیین مهم‌ترین اصول و معیارهای نقد از نگاه محقق عاملی در مجموعه الصحیح من سیرة الإمام علی (ع) می‌پردازیم. این اصول به مثابه مؤلفه‌های نظریه نقد محقق عاملی در سیره‌نگاری علی (ع) است که بیشتر ناظر به نقد نظریه رقیب در نصوص تاریخی و سیره‌نگاری امام علی (ع) است.

۱۰. درباره اصول و اخلاق نقد بنگرید: احمدحسین شریفی؛ اخلاق کاربردی؛ نشر معارف، قم، ۱۳۸۷ ش. ص ۸۷-۹۳؛ علی‌اکبر کلانتری؛ اخلاق کاربردی؛ نشر معارف، قم، ۱۳۸۵ ش. ص ۲۵۲-۲۶۰؛ حسن اسلامی؛ اخلاق نقد و فرهنگ نقادی؛ مجله پژوهش و حوزه؛ شماره ۲۳ و ۲۴، دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ ش.

۱۱. واگرفته از سخن امام علی (ع): ... انظر الی مال قال ولا تنظر الی من قال. (رک به: ابن‌الدمشقی؛ جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی (ع)؛ تحقیق: محمدباقر محمودی؛ مجمع‌احیاء الثقافة الإسلامية، قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۱۵۱) البته روایات دیگری هم وجود دارند که به ضرورت توجه به گوینده نیز تأکید کرده‌اند. برای رفع این تعارض ظاهری بنگرید: اسلامی، حسن؛ جایگاه گوینده در اعتبار گفتار از دیدگاه احادیث؛ حدیث پژوهی، شماره اول، کاشان، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۸ ش. ص ۱۶۷-۱۷۹.

۱۲. قراملکی، احد فرامرزی؛ پیشین، ص ۲۱۳ و تفصیل آن را بنگرید: سروش، عبدالکریم؛ دگماتسیم نقاب‌داری یا ایدئولوژی شیطان؛ نشر یاران، تهران، ۱۳۶۱ ش. ۱۳. بنگرید: خندان، علی‌اصغر؛ مغالطات؛ بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.

۱۴. درباره مکاتب تفکر انتقادی بنگرید: فدایی، غلامرضا؛ «نقد معیار و معیار نقد»؛ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۷، دی ۱۳۹۶ ش. ص ۱۳۳-۱۳۶.

۱۵. شریعتمداری، علی؛ نقد و خلاقیت در تفکر؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۹۴ ش. ص ۲۹.

۱۶. تاریخ تحلیلی نقطه مقابل تاریخ توصیفی است که فقط به گزارش رویدادها و نظریه‌ها بسنده می‌کند. بنگرید: قراملکی، احد فرامرزی؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵ ش. ص ۲۳۶-۲۸۴.

۱۷. ناگزیر برای تکمیل برخی از مستندات از مجلدات بعدی این مجموعه تا جلد شانزدهم نیز بهره بردیم.

۱. جامع‌نگری

از جمله آسیب‌های فراروی تحقیق و نقد علمی، بسنده کردن پژوهشگر به منابع فرقه و مذهب خویش است. از پیامدهای این آسیب عدم جامعیت و یک‌سویه‌گرایی در پژوهش است. چه بسا بخش‌هایی از یک واقعه تاریخی در منابع سایر مذاهب و آثار دیگر جریان‌های فکری گزارش شده است و محقق به دلیل جمود در منابع مذهب خویش از تصویر کامل واقعه ناتوان خواهد بود. همچنین به دلیل مراجعه نکردن به آثار سایر مذاهب و جریان‌ها از ابهامات و اشکالات ناآگاه خواهد بود و در نهایت اثرش قدرت اقناع مخاطب را از دست خواهد داد. از این رو جستجو در همه منابع بدون مرزبندی مذهبی و فکری از اصول پژوهش‌های انتقادی است و اساس نقد علمی وابسته به این اصل است. محقق عاملی پیش از نقد و سنجش تلاش فراوانی در گزارش نصوص حوادث و وقایع سیره امام علی (ع) از منابع مختلف شیعی و غیرشیعی دارد. از این رو بخش مهم و زیادی از کتاب وی گزارش نصوص غیرشیعی درباره سیره علوی است.

جلوه‌های کاربست اصل جامع‌نگری از ارجاعات فراوان به منابع مختلف در اکثر صفحات این اثر مشهود و بی‌نیاز از استناد است. وی افزون بر مصادر اصلی تاریخ و سیره‌نگاری صدر اسلام از منابع متنوع و متعدد به زبان عربی در موضوعات لغت‌شناسی، شعر و نثر جاهلی، دیوان اشعار مشاهیر عرب، تفاسیر قرآن با گرایش‌های گونه‌گون آن، جوامع حدیثی کهن، متأخر و معاصر شیعه و اهل سنت، آثار کلامی روایی، استدلالی و جدلی مذاهب اسلامی، کتب فقهی و اصولی، رجال الحدیث با همه مسائل آن، تراجم و انساب، صحابه پژوهی، اسباب نزول، شرح الحدیث، جغرافیای جهان اسلام، ردیه‌نگاری و جدل‌نویسی، جنگ‌نامه‌ها و جنگ‌نوشته‌ها، کتاب‌های اخلاقی و عرفانی، فرقه‌نگاری و ملل‌شناسی، فضایل‌نگاری و مناقب‌نگاری، احادیث موضوعه، مناظره‌نگاری، مسانید و مستدرکات حدیثی، کتاب‌شناسی و فهرس‌نگاری، قصص الانبیاء، ادعیه، مزارت و زیارات، شهرشناسی، خاندان پژوهی، مکاتیب معصومان، سیاست و تمدن اسلامی، تک‌نگاشت‌های جدلی، مسانید و تصانیف کهن فقهی و حدیثی، وفيات و موالید مشاهیر، دیوان شعرا بوطالب و دیوان شعر علی (ع) و... در مقام گزارش سیره علی (ع)، تحلیل نقدهای خود بهره‌جسته است. این تلاش گسترده گویای این مهم است که محقق عاملی به مرزبندی اعتقادی یا مذهبی در گزارش از منابع قائل نیست و از همه منابع سیره‌نگاری از همه جریان‌های فکری بهره‌مند است. اصل جامع‌نگری در منابع ویژگی متمایزی به اثر محقق عاملی در سیره‌نگاری علی (ع) بخشیده است که در نوع خود کم‌نظیر است.

هر چند محقق عاملی در استفاده از منابع در مرحله گزارش داده‌ها و آرا از کلان‌نگری برخوردار است، اما تیغ نقد وی نیز در مواقعی که منابع سوگیرانه قصد کتمان و تحریف حقایق سیره علی (ع) دارند، بسیار تیز است. از این رو در الصحیح من سیره الإمام علی (ع) نقدهای جدی وی را علیه ادعاهای مورخان و سیره‌نگاران بزرگ و مشهور چون ابن هشام^{۱۸}، ابن سعد^{۱۹}، بخاری^{۲۰}، زهری^{۲۱}، ابن حجر^{۲۲}، حلبی^{۲۳}... شاهد هستیم. برآیند اصل جامع‌نگری در منابع محقق عاملی را به حقیقتی تلخ در تاریخ سیره‌نگاری رهنمون کرده است و این حقیقت تلخ، تلاش دستان ناپاک در ستردن نام علی (ع) و سرقت فضایل ایشان و مصادره آنها برای دیگران است.^{۲۴} رویکرد نقادانه محقق عاملی فقط به منابع عامه اختصاص ندارد، بلکه منابع شیعی را نیز در گزارش وقایع تاریخی سیره امام علی (ع) به نقد سپرده

۱۸. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیره الإمام علی (ع)، ج ۴، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۱۹. همان، ص ۲۵۴-۲۵۸ و ج ۶، ص ۱۰۶.

۲۰. همان، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۵.

۲۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲۳. همان، ج ۴، ص ۱۸۶.

۲۴. همان، ج ۴، ص ۱۶۰-۱۶۱.

است^{۲۵} که در ادامه همین پژوهش به نمونه‌هایی از آن اشاره خواهیم کرد.

۲. اعتدال

افراط و تفریط در اعتماد به منابع مسلمین دو لبه تیز تحقیق در سیره‌نگاری است و راهکار برون‌رفت از این آسیب اعتدال در اعتماد به میراث پیشینیان است. در مواجهه با میزان اعتبار میراث سیره‌نگاری کهن مسلمین سه رویکرد وجود دارد. رویکرد نخست به اعتبار مطلق میراث روایی و تاریخی نخستین مسلمین اعتقاد دارد و این میراث را از هرگونه نقد و جرح پیراسته می‌انگارد که طیفی از اخباریان، حشویه و اهل حدیث از طرفداران این رویکرد هستند. نفی اعتبار و بنای بر تردید و تشکیک در اصالت و وثاقت این میراث، رویکرد سنت‌ستیزان و قرآن‌بسنندگان و منتقدان حدیث است که همواره از گذشته تا کنون از هرگونه اعتماد خودداری و با تقلیل کارکرد این میراث، در اسلام‌شناسی به منابع معرفتی غیرنقلی بسنده می‌کند.

رویکرد سوم ضمن تکریم ارزش فرهنگی این میراث، با استناد به فرایند انتقال احادیث و نصوص و اثرپذیری پیدا و پنهان چگونگی تدوین جوامع روایی و تاریخی از جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی روزگار خویش بر لزوم نقد این میراث تأکید جدی دارند. توجه به این نکته نیز ضروری است که میزان وفاداری سیره‌نگاران به این سه رویکرد یکسان نیست، بلکه به شدت و ضعف دچار است. روشن است که سیره‌نگاری بر پایه هر یک از این سه رویکرد، اصول، فرایند و نتایج متفاوتی با یکدیگر دارند و الزاماً تصویر ارائه شده از حیات و سیمای معصومان بر اساس این رویکردها یکسان نبوده و تفاوت و تمایزات جدی از همدیگر خواهند داشت. محقق عاملی در الصحیح من سیرة الإمام علی (ع) تابع رویکرد سوم است و از اعتدال در اعتماد به منابع و احتراز از افراط و تفریط در این مهم به عنوان یکی از اصول نظریه نقد خود در سیره‌نگاری بهره‌مند است. از نگاه ایشان نصوص موجود در مؤلفات امامیه به دلیل احتمال صدق و کذب در داده‌های آن قابل نقد و سنجش است. در نتیجه صرف وجود روایت در میراث امامیه به معنای صحت یا تأیید مضمون آن در نظریه رسمی مذهب امامیه نیست. بنابراین اختلاف و تعارض در میراث امامیه انکارناپذیر است، اما این پدیده به معنای دستبرد عالمان امامی در میراث و وضع روایات نیست، بلکه دلایل استواری برای تبیین این پدیده در میراث امامیه وجود دارد. این اصل در تبیین چرایی وجود تعارض در نصوص میراث امامیه و رد پنداره وضع روایات از سوی محدثان امامی کارآمد است. همچنین پاسخی است بر کسانی که تلاش دارند نقد «تردید در اصالت نصوص به دلیل وجود روایات مخالف» را علیه محقق عاملی به کار ببندند؛ زیرا مدعی‌اند که میراث امامیه نیز از اختلاف و تعارض پیراسته نیست. پس نقد محقق عاملی به منابع غیرشیعی علیه وی نیز در اعتماد به منابع امامیه وارد است. این نگره درست نقطه مقابل نظریه رقیب است که با وجود اختلاف و تعارض در صحاح سته به صحت تمامی روایات آن باورمند است، بر بطلان روایات مخالف با آنها تأکید دارد، در نتیجه به دیده تردید به اعتبار میراث امامیه می‌نگرد.^{۲۶} مهم‌ترین دستاوردهای اصل اعتدال در نظریه نقد محقق عاملی در سیره‌نگاری علی (ع) چنین است:

یک: بر پایه نظریه محقق عاملی رتبه و میزان اعتبار میراث دینی مسلمین یکسان نیست و این یکی از اصول مهم در مطالعه و نقد میراث مسلمین است. این اصل در میان متفکران مسلمان از گذشته تا حال رایج بوده و هست.^{۲۷} بر پایه این نظریه رتبه و میزان اعتبار میراث مسلمین در سه رتبه قابل تقسیم است: «نص - سنت»، نخستین سطح از میراث است که در نگاه امامیه آیات قرآن و سنت معتبر معصومان را شامل است. این گونه از میراث به دلیل وحیانی بودن، دارابودن عصمت در مصدر و محتوا و فقدان اختلاف و تضاد درونی با یکدیگر، نقد ناپذیرند و خود معیار سنجش میزان اعتبار سایر سطوح میراث دینی مسلمین هستند.

۲۵. همان، ج ۴، ص ۲۱۰-۲۱۲.

۲۶. همان، ج ۱، ص ۹-۱۰.

۲۷. بنگرید: قرضاوی، یوسف، کیف نتعامل مع التراث و التمدب والاختلاف، ۳۷۸ ص.

«قول. نظرسلف» دومین سطح از میراث است که شامل اقوال و آرای صحابه و تابعین است. برآیند این میراث با وجود ارزش تاریخی و تراثی از حجیت مطلق برخوردار نیست^{۲۸} و نمی‌توان آن را سنجش و نقد کرد.^{۲۹} وجود اختلاف و تعارض در این میراث، امری طبیعی است؛ زیرا فاقد پشتوانه عصمت در مصدر و محتوا است. سنت نقد و نظر درباره اقوال و آرای صحابه و تابعین امری رایج و مرسوم در روزگار آنان بود و صحابه و تابعین بدون تقدس سازی به نقد اقوال و انظار همدیگر می‌پرداختند.^{۳۰}

«نظریه‌های مذاهب» سومین سطح از میراث دینی مسلمان است که شامل نظریه‌های متنوع روایی، فقهی، عقلی، عرفانی، علمی و... عالمان مسلمان از قرن اول تا دوره معاصر است. این قسم از میراث از حجیت مطلق برخوردار نیست. در نتیجه می‌توان آن را نقد و رد کرد. این سخن به معنای ستیز با میراث و نظریه‌ها و تکریم نکردن دانشیان پیشین و نفی ارزش تلاش‌های آنان نیست، بلکه مقصود، تأکید بر اصل اجتهاد و احتیاط در بهره‌مندی از نظریه‌هاست که سنتی جاری در میان دانشوران مسلمان بوده و هست. سطح دوم و سوم از میراث، همواره تحت سیطره پیدا و پنهان علل و عوامل معرفتی و غیرمعرفتی هستند. سیاست، اختلافات مذهبی، پارادایم‌های علمی، وضعیت فرهنگی-اجتماعی، موقعیت فردی و سیاسی عالمان، در پیدایی و تثبیت و فروهستن نصوص، اقوال، نظریه‌ها و در شکل‌گیری ایدئولوژی عالمان اثرگذارند. از این رو اثرگذاری ایدئولوژی‌ها در تدوین و تألیف میراث حدیثی، تاریخی و سیره‌نگاری انکارناپذیر است. بنابراین همسان‌انگاری درجه اعتبار و رتبه سطوح سه‌گانه میراث، آسیب‌فراروی مطالعات سیره‌نگاری و سد راه پژوهش‌های انتقادی در سیره‌پژوهی و برخلاف اصل اعتدال در نظریه نقد محقق عاملی است. بایسته است سیره‌پژوه به جایگاه، اعتبار و کارکرد سطوح متنوع میراث اسلامی توجه کند و ضمن تفکیک آنها از یکدیگر، اعتبار و ارزش آنها را با یکدیگر خلط نکند.

دو: برپایه نظریه محقق عاملی دلیل اختلاف در میراث روایی امامیه تعمد عالمان در وضع احادیث نیست، بلکه این امرزاییده شرایط تاریخی تقیه‌آلود عصر صدور حدیث شیعه است و با نوع فرهنگ تعامل محدثان امامی با راولیان غیرامامی در مرحله انتقال احادیث به میراث امامیه در پیوند است. به دلیل سیطره و سلطه فرهنگی-سیاسی حاکمان اموی و نبودن امکان مواجهه سخت با آنان، امامان شیعه ناگزیر در مواقع ضرورت و لزوم با استفاده از ظرفیت آموزه تقیه^{۳۱} به هم‌گرایی ظاهری با جریان غالب فکری پرداختند. این مهم از دید اصحاب اهل نظر امامان پنهان نبود و فقیهان امامیه نیز با تکیه بر قواعدی خاص به تمییز احادیث تقیه‌آلود از دیگر احادیث پرداختند. هر چند اختلاف نظر فقه‌های امامیه در معیارهای روایات تقیه‌ای در تقلیل و تکثیر شمارگان این روایات بی‌تأثیر نبود.^{۳۲}

۲۸. برخلاف نگره برخی از نویسندگان معاصر که بر حجیت فهم سلف تأکید دارند و مقلدانه میراث منسوب به سلف را بدون نقد پذیرا هستند. در موضوع سلفیه معاصر و زمینه‌های شکل‌گیری و ادله آن بنگرید: عجمی، سعد بن نقل؛ حجیه فهم السلف: النظرية والتطبيق؛ دار مدارک للنشر، ریاض، ۲۰۱۸م، ص ۳۷-۶۱۵؛ لوزبیر، هنری؛ صناعة السلفية: الاصلاح الاسلامی فی القرن العشرين؛ ترجمه: اسامه عباس و عمرو بسبونی؛ ابن الندیم للنشر، بیروت، ۲۰۱۸م، ص ۱۱-۳۹۱.

۲۹. جالب اینکه در قرن دوم هجری همین رویکرد در ارزیابی سطح دوم و سوم از میراث مدنظر بزرگان بوده است. از ابوحنیفه در این باره سخنی نقل شده است که گویایی رویکرد اجتهادی وی در اعتبار سنجی میراث صحابه است: «... ثنا نعیم بن حماد، قال: سمعت ابن المبارک یقول: سمعت ابا حنیفة، یقول: ما جاء عن رسول الله (صلی الله علیه و سلم) لم یقدم علیه احد، و ما جاء عن اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و سلم) اخترنا». (ابی نعیم الاصبهانی، مسند أبي حنیفة، ص ۲۲) قرضاوی نیز از متفکران معاصر در این باره می‌نویسد: «اذا كان تراث اسلافنا العظام فی مستواه البشری خاضعاً للنقد و لیست فی ذاته قداسة ولا عصمة فان منطق العقول المستقلة یقول: إن تراث الاخرین سواء كان فی الغرب أم فی الشرق أحق بالخضوع للنقد و التقویم من تراثنا الذی یتمیز بصلته بالذین...». (قرضاوی، یوسف، کیف نتعامل مع التراث و التمدب و الاختلاف، ص ۵) علامه مرتضی عسگری نیز از عالمان شیعه در دوره معاصر چنین تصریح دارد: «صحیح نیست که هر حدیثی که از رسول‌الله (ص) روایت شده ما آن را صحیح بدانیم و نتوانیم مورد نقد و بررسی قرار بدهیم، این صحیح نیست... این همه احادیث متناقض در کتاب‌های حدیثی هر دو مکتب را چگونه چاره‌جویی نماییم؟...». (عسگری، مرتضی؛ «تشیع و جایگاه سنت»؛ کیهان فرهنگی؛ شماره ۱۸۱، آبان ۱۳۸۰ش، ص ۳۴).

۳۰. بنگرید: الجار الله، عبدالسلام بن صالح؛ نقد الصحابة و التابعین للتفسیر: دراسة نظرية تطبيقية؛ دار التدریة، ۲۰۰۸م ریاض، ص ۱۱۱-۴۷۷.

۳۱. متکلمان و فقیهان امامیه با توجه به احادیث و سیره امامان شیعه، تقیه و گستره آن را چنین تعریف کرده‌اند: «التقیة کتمان الحق و ستر الاعتقاد فیه و مکاتمة المخالفین و ترک مظاهرهم بما یعقب ضرراً فی الدین و الدنیا». (مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۷ و بنگرید: شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۱۵۵؛ شیخ انصاری، مکاسب، ص ۳۲؛ طوسی، خواجه نصیرالدین؛ تلخیص المحصل، ص ۴۲۲)

۳۲. بنگرید: مددی الموسوی، سیدمحمدکاظم؛ «فرضیه‌ای درباره حمل روایات بر ترقیه از منظر شیخ طوسی»؛ فقه، سال بیست و یک، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳ش، ص ۹۳-۱۱۱.

برخلاف آنچه برخی می‌پندارند همه مذاهب اسلامی اعم از مالکی، حنبلی، شافعی، حنبلی، ظاهری، طبری، زیدی، خوارج، ظاهری، وهابی بر مشروعیت تقیه اتفاق نظر دارند و بر صحت آن از قرآن، سنت و اجماع استدلال می‌کنند، اما شیعه اثنی عشریه به دلیل شرایط خاص تاریخی که رنج و ستم بر امامان، اصحاب و پیروان ایشان تحمیل شد، در عمل به تقیه بیش از سایر مذاهب اسلامی شهرت یافت.^{۳۳}

فرایند دیگری که زمینه اختلاف در میراث امامیه را فراهم کرد ارتباطات فرهنگی و حدیثی راویان و مشایخ حدیثی امامی با راویان و مشایخ حدیثی سایر مذاهب بود. برآیند این ارتباط، انتقال بخشی از احادیث و آموزه‌های عامه در میراث امامیه بود. گزارش این احادیث، نه به معنای تأیید آنها، بلکه فقط به عنوان یک فعالیت حدیثی مرسوم میان محدثان انجام می‌شد. نمونه روشن آن ارتباط و تعامل حدیثی شیخ صدوق^{۳۴} از محدثان بزرگ امامیه با برخی از مشایخ عامه است که زمینه راهیابی برخی از احادیث عامه در تصانیف حدیثی این محدث بزرگ را فراهم آورد و سپس از طریق آثار وی در سایر میراث حدیثی امامیه انعکاس یافت. به همین سان شیخ طوسی نیز از برخی محدثان غیر امامی روایاتی را در آثار خود گزارش می‌کند که گاهی همسوی با نگره زیدیان است.^{۳۵} البته گزارش این احادیث از سوی محدثان و فقیهان شیعه، نه به عنوان اعتقاد و تأیید مضمون آنها، بلکه فقط به عنوان یک سنت و رسم رایج میان محدثان بود. از این رو محققان امامیه توجه به این مهم را یکی از راهکارهای رفع تعارض احادیث موجود در آثار این محدثان با فتاوی آنان دانسته‌اند.^{۳۶}

افزون بر دو عامل تقیه و تعامل حدیثی امامیه با مشایخ عامه، عوامل دیگری چون اختلاط راویان در انتساب حدیث، دس و وضع جریان‌های انحرافی در پدیداری اختلاف و تعارض در میراث حدیثی شیعه نیز مؤثر بود. بنابراین رویکرد انتقادی محقق عاملی به اعتبارسنجی میراث روایی و تاریخی در سیره‌نگاری امام علی (ع) همسوی با واقعیت تاریخی میراث امامیه و سیره اجتهادی محدثان امامی است و از هرگونه افراط و تفریط در اعتبار جوامع حدیثی امامیه پیراسته است.

۳. اصالت

اصالت نصوص به معنای پیراستگی روایات سیره علی (ع) از هرگونه دستبرد و انطباق آن با حقایق تاریخی مؤلفه دیگر نظریه نقد محقق عاملی است. جلوه‌های کاربردی این اصل را در نقد گزارش‌های آمیخته به آسیب «ارسال مسلمات» و «غلو» در الصحيح من سيرة الإمام علی (ع) شاهد هستیم.

ارسال مسلمات

آسیب پدیده «ارسال مسلمات» در سطح داده‌ها و نظریه‌ها از عوامل آسیب‌زا و موجب انسداد و نوآوری در پژوهش است. مقصود از این پدیده پذیرش بی‌چون‌وچرا و بدون دلیل یک رأی به دلیل انتساب آن به دانشوری برجسته و شهرت آن رأی در میان عالمان است. اعتباربخشی به یک نظریه مبتنی بر اصل «ارسال مسلمات» از منطق علمی و اجتهادی فاصله دارد. همان‌گونه که دانشوران تیزبین ضمن تردید در اعتبار شماری از مسلمات مشهور به دیدگاهی

۳۳. درباره ادله و نگرش سایر مذاهب اسلامی به تقیه بنگرید: العمیدی، نامر؛ واقع التقیه عند المذاهب والفرق الإسلامية من غیر الشیعة الإمامیه؛ دارالرسالة، قم، ۱۴۲۶ق، ۱۸۲ ص.

۳۴. شیخ صدوق در سفر به خراسان به قصد نشر معارف اهل بیت و گردآوری احادیث پراکنده شیعه در این مناطق از برخی مشایخ حدیثی اهل سنت نیز نقل حدیث کرده است. (طالقانی، سیدحسن؛ شیخ صدوق؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۴ش، ص ۵۹-۶۲)

۳۵. «... عن أبي هريرة، قال. قال رسول الله: ... فقال: يا رسول الله، علي ما أقاتل الناس؟ قال: قاتلهم حتى يشهدوا (أن لا إله إلا الله، وأن محمدا رسول الله)، فإذا فعلوا ذلك فقد منعوا منك دماءهم وأموالهم إلا بحقها، وحسابهم على الله (عزوجل)». (طوسی، الامالی، ص ۳۸۱؛ مشابیه این متن را به نقل از ابوهریره بنگرید: مسلم، الصحيح، ج ۷، ص ۱۲۱ و برای مقایسه این روایت با متن منسوب به رسول خدا (ص): «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا اله الا الله» در منابع غیر امامی بنگرید: فرجامی، اعظم؛ تاثیر زیدیه بر حدیث امامیه؛ پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ۱۳۹۴ش، ص ۴۳۴-۴۳۷.

۳۶. این مهم یکی از اصول شیخ طوسی در گزارش احادیثی است که وی بر پایه آنها فتوا نداده است، اما در آثار خویش به گزارش آنها اهتمام داشته است. برخی از محققان به این مهم در آثار شیخ تذکر دادند. (الشیخ الطوسی، الرسائل العشر، ص ۲۸۹؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۲۷۰ و ج ۱، ص ۳۰۹)

متمایز و خلاف مشهور گراییدند.^{۳۷} بر پایه مؤلفه اصالت بسنده کردن به اعتبار برخی از مطالب و داده‌های مشهور، در سیره‌نگاری اجتهادی و استدلالی روا نیست، مگر اینکه دلیل، مستند و فرایند این شهرت به شکل عمیق و دقیق نقد و واکاوی شود.

نگاه متن‌گرایانه محض به نصوص منابع تاریخی، بسنده کردن به شهرت و اعتبار مصادر و عدم تحلیل تاریخی و انتقادی داده‌های آنها در تضاد با این اصل است و به شدت می‌تواند رهن حقیقت در سیره‌نگاری باشد؛ به ویژه اگر دیدگاهی خاص از سوی دانشمندی سرشناس و صاحب‌رأی و نفوذ در میان عالمان یک مذهب نهادینه شود و آرای وی تحت شمول قاعده «ارسال مسلمات» بدون درنگ مقبول دیگران باشد، نقد و رد آن بسیار سخت و دشوار خواهد بود، اما گریزی از آن برای رفع انسداد در مطالعات اسلامی وجود ندارد.^{۳۸} محقق عاملی با آگاهی از این آسیب با رویکرد نقادانه به منابع تاریخی تلاش دارد رد پای آن را در سیره‌نگاری امام علی (ع) نشان دهد^{۳۹} و در دیگر آثار خویش نیز این آسیب را از جمله موانع اصالت و صحت پژوهش می‌داند.^{۴۰}

از جمله نمونه‌های استناد به آسیب ارسال مسلمات در الصحیح من سیرة الامام علی (ع) نقد گزارش اسیر بودن خوله مادر محمد بن حنفیه است. بر پایه این گزارش ابوبکر در دوران خلافت خویش خوله را به امام علی (ع) بخشید و امام نیز هدیه خلیفه را پذیرفت. این قضیه از جمله ادله طرفداران پارادایم سقیفه در تصحیح و مشروعیت بخشی به خلافت ابوبکر است؛ چون امام علی (ع) به خلافت ابوبکر رضایت داشت و هدیه وی را پذیرفت. محقق عاملی بعد از ارائه نقدهای خود در اصالت نداشتن تاریخی این پنداره^{۴۱} به رخنه آسیب ارسال مسلمات در مستندات آن چنین اشاره می‌کند:

و بعد کل ما تقدم يتضح بما لا مجال معه للشك: أن ما يرسله الكتاب والمؤرخون ارسال المسلمات من أن الحنفية كانت من سبي أبي بكر. ليس له ما يبرره. بل إن المحققين وقولهم هو الأظهر. على حد تعبير المعتزلي. يرون خلاف ذلك تماماً. وعليه فالاستدلال بأمر كهذا. لوصح الإستدلال به. على خلافة أبي بكر ليس له ما يبرره، ولا منطق يساعده.^{۴۲}

نمونه دیگر اشتهاار گزاره «إن علياً لم يجرح قط» است. برخی از منابع تاریخی ادعا دارند که علی (ع) هیچ جراحی در جنگ‌ها برنداشت و این را فضیلت ایشان می‌دانند که به دلیل شجاعتش کسی را یاری ضربه زدن به وی نبود.^{۴۳} محقق عاملی تصریح دارد که با این گزارش بلاذری موافق نیست؛ زیرا در تعارض آشکار با گزارش‌های وجود جراحات فراوان در بدن علی (ع) و گزارش خارج کردن تیر از بدن مبارک ایشان است.^{۴۴}

نمونه سوم شیوع و اعتبار گزارش تولد و مرگ محسن بن علی (ع) در دوره حیات رسول خدا (ص) است که جریان سقیفه با ملاحظات سیاسی به مسلم‌انگاری و اشتهاار این گزارش در منابع اهتمام جدی دارد. محقق عاملی ضمن تأکید بر رخنه آسیب ارسال مسلمات در این گزارش، تناقضات تاریخی آن را با ادله متعدد نشان داده و بطلان آن

۳۷. بنگرید: المحقق النراقی، عوائد الایام، ص ۳۰۳-۳۰۵؛ الشیخ الجواهری، جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۱۴ و ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۳۸. جرجانی، اعجاز پژوه نامدار. سخنی نغز در این باره دارد: «واعلم أن القول الفاسد والرأی المدخول، إذا كان صدره عن قوم لهم نهاة، وصیت و علوم منزلة فی أنواع من العلوم غیر العلم الذی قالوا ذلك القول فيه، ثم وقع فی الألسن فتداولته ونشرته، و فشا و ظهر، و كثر الناقلون له و المشیدون بذكره، صار ترك النظر فيه سنة، و التقليد دینا... و کم من خطأ ظاهر ورأی فاسد حظی بهذا السبب عند الناس، حتی بؤوه فی أخص موضع من قلوبهم، و منحوه المحبة الصادقة من نفوسهم». (جرجانی، الدلائل، ص ۳۰۲)

۳۹. الصحیح من سیرة الإمام علی (ع)، ج ۱۶، ص ۶۴، ص ۱۳۱.

۴۰. دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، ج ۴، ص ۷۴.

۴۱. الصحیح من سیرة الامام علی (ع)، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۱۲.

۴۲. همان، ص ۳۱۲.

۴۳. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۴۵.

۴۴. الصحیح من سیرة الامام علی (ع)، ج ۴، ص ۶۶-۶۷.

را اثبات می‌کند.^{۴۵}

نمونه چهارم از آسیب ارسال مسلمات در سیره‌نگاری علی (ع)، سرقت خطبه‌ها و کلمات قصار علی (ع) از سوی جریان سقیفه، اشتها و انتساب آنها به سران این جریان است تا جایی که ابن ابی الحدید با وجود تذکرش به این پدیده، خود گاهی از این آسیب مصون نمانده است.^{۴۶}

شایان ذکر است که محقق عاملی استفاده از ارسال مسلمات را ابزار جریان سقیفه برای انحراف اذهان ساده‌اندیش در مشروعیت بخشی به خلافت می‌داند که از همان آغاز سران سقیفه از این ابزار در اعتبارسازی برای انگاره‌های خود استفاده کردند.^{۴۷}

غلو

پدیده غلو و پیامدهای منفی آن در تاریخ فکر و میراث امامیه به ویژه در فضایل و مناقب‌نگاری که بخشی از سیره‌نویسی است واقعیتی انکارناپذیر است. غلو با دو گونه غلو سیاسی و غلو معارفی. عملی تلاش داشت چهره اسلام و اهل بیت (ع) را مشوه کنند، اما با مقابله امامان شیعه در تحقق اهداف خویش ناکام ماند، ولی رد پای تلاش‌های نافرجام آنان در متون و میراث به ویژه در سیره و فضایل ایشان باقی ماند. این رسوبات در دوره‌های متأخر از طریق برخی از آثار و شخصیت‌های غلوگرا احیا شد و در ذهنیت افراد ناآگاه در تقریر سیره و ترسیم سیمای امامان شیعه اثر گذاشت. از این رو توجه سیره‌نگاران به پدیده غلو و بازتاب‌های آن در متون و میراث شیعی امری انکارناپذیر است و غفلت از آن پیامدهای نادرستی را در سیره معصومان به دنبال دارد. محقق عاملی در سیره‌نگاری امام علی (ع) با نگاهی دقیق و ظریف به واکاوی و نقد رگه‌های غلو در سیره علی (ع) پرداخته است که از جمله آنها غلو انگاری ولادت علی (ع) در داخل کعبه است که به بهانه تشابه به آموزه‌های غالبانه در اصالت نصوص متواتر تشکیک نمی‌کند. پیش از تقریر و ارزیابی نظریه محقق عاملی توجه به دو نکته ذیل ضروری است:

۱. فرایند و چگونگی حضور فاطمه بنت اسد (س) در داخل کعبه هنگام تولد امام علی (ع) از حوادث خاص و شگفت حیات ایشان است. نظر به اهمیت این واقعه و فضیلت آن برای امام علی (ع)، همواره این بخش از حیات ایشان مورد اهتمام ویژه سیره‌نگاران امامی بوده و هست. اهتمام محققان امامیه در سده اخیر به تک‌نگاشت‌های تخصصی در این موضوع، اهمیت این فراز از حیات علوی را نشان می‌دهد. برآیند این پژوهش‌ها دو کارکرد در سیره‌نگاری امام علی (ع) را در پی دارد: نخست اثبات فضیلت «یگانه مولود کعبه» که به امام علی (ع) اختصاص دارد و تکریم و عنایت الهی را در شأن امام و مادر بزرگوار ایشان اثبات می‌کند. دوم نقد نظریه رقیب که با فضیلت تراشی تولد شخص دیگری به نام حکیم بن حزام در داخل کعبه، اختصاص و انحصار این فضیلت برای امام علی (ع) را برنرفته و تلاش دارد با نظیرسازی این فضیلت را کم‌رنگ نشان دهد.

۲. بر پایه انگاره‌ای غالبانه فرایند تولد امامان شیعه فرایندی متفاوت از تولد افراد عادی است؛ به گونه‌ای که نشانه‌های بارداری در مادران امامان آشکار نیست و حتی چگونگی وضع حمل آنان با سایر زنان متفاوت است. معضلی که ذهن محقق عاملی را در نگارش بخش تولد امام علی (ع) گزیده و او را ناگزیر به موضع‌گیری در برابر انگاره غالبانه در باب تولد امامان واداشته است، واقعه اعجاب‌انگیز شکافته شدن دیوار خانه کعبه و تولد امام علی (ع) از فاطمه بنت اسد (س) داخل کعبه است که در نصوص روایی و تاریخی بدان تصریح شده است. محقق عاملی در ادامه بحث از تولد امام علی (ع) در داخل کعبه با گشودن مبحثی با عنوان «ولادة الأئمة (ع) فی روایات الغلاة» به نقد رگه‌ها و رسوبات تفکرات غالبانه در روایات موالید معصومان می‌پردازد که بیانگر یکی از اصول نقد وی در

۴۵. همان، ج ۳، ص ۹۰-۹۷.

۴۶. همان، ج ۱۳، ص ۸۲-۸۴.

۴۷. همان، ج ۱۴، ص ۲۲۴-۲۲۵.

مواجهه با سیره‌نگاری معصومان است. به نظر می‌آید از نگاه محقق عاملی موضوع شکافته شدن دیوار کعبه و تولد امام علی (ع) در داخل کعبه زمینه طرح بحث از نقدپنداره غلو در روایات موالید را از سوی وی فراهم کرده است؛ زیرا ممکن است برخی از افراد این واقعه را غلوآمیز پنداشته و در درستی آن تردید کنند. به همین دلیل وی برای دفع این شبهه ناگزیر این مبحث را در انتهای مبحث میلاد امام علی (ع) طرح کرده است. سپس در فصل دوم از جلد نخست با عنوان «ولید الکعبه» به اثبات فضیلت تولد امام علی (ع) در داخل کعبه و پاسخ به اشکالات و شبهات وارد بر آن می‌پردازد.

تحلیل و ارزیابی

۱. هر چند محقق عاملی به شکل مستقل نظریه خود را در باب تعریف و معیار غلو، گونه‌های غلو، دامنه و محدوده تأثیرات آن در سیره‌نگاری ارائه نمی‌کند، اما به فراخور نیاز در بخش‌های مختلف کتاب خواننده را به نقش غالبان در تحریف متون توجه می‌دهد. بنابراین رصد و نقد غلو در متون سیره از جمله اصول نظریه نقد محقق عاملی در سیره‌نگاری امام علی (ع) است؛ زیرا شخصیت علی (ع) نظریه فضایل و مناقب ویژه آن حضرت آستن غلوگرایی است و لازم است که در سیره‌نگاری ایشان دقت و احتیاط کافی صورت پذیرد. از مطالعه الصحیح من سیره الامام علی (ع) این مهم به روشنی به دست می‌آید که محقق عاملی باورمند است که بخشی از متون روایی و نصوص تاریخی امامیه مصون از گزند آسیب غالبان نبوده و افزوده‌ها و اندیشه‌های غالبان هر چند اندک در پی‌رنگ و میانه آثار شیعی رخنه کرده است. وی به عنوان یک سیره‌نگار امامی با آگاهی کامل از این آسیب، با احتیاط و دقت به رصد انگاره‌های غالبانه در متون سیره امام علی (ع) می‌پردازد، نفوذ رگه‌های غلو را نشان می‌دهد، متون غالبانه را به نقد می‌سپارد و در پایان داوری می‌کند. هر چند نظر نهایی وی گاهی با احتیاط و نوعی ابهام همراه است که در اصل احتیاط از دیگر اصول نظریه نقد محقق عاملی از آن سخن خواهیم گفت.

۲. در مبحث ولادت امام علی (ع) رویکرد تحلیلی - انتقادی محقق عاملی در نقد نگره غالبانه، اثبات تواتر نصوص تولد در داخل کعبه و پاسخ به شبهات این موضوع مشهود است. نظریه اهمیت این مسئله محقق عاملی عنایت ویژه‌ای به این موضوع دارد و در یک فصل مستقل درباره آن بحث کرده است. پرداخت جامع به نصوص این واقعه از منابع شیعه و اهل سنت، بهره‌مندی از تک‌نگاشت‌های تخصصی، بازشناسی و پاسخ به شبهات قدیم و جدید این موضوع و بیان ابعاد غیبی و معنوی این فضیلت از نتایج کاربست اصل رصد و نقد رگه‌های غلو در سیره‌نگاری امام علی (ع) در این فصل است که همسوی با منهج وی در تحلیل مسائل بنیادین سیره‌نگاری معصومان است.

۳. محقق عاملی مبتنی بر نظریه تواتر نصوص و ادله تولد امام علی (ع) در داخل کعبه احتمال غلوآمیز بودن این پنداره را از اساس می‌زداید، اما به طور مستقیم به این شبهه نمی‌پردازد؛ زیرا بر پایه مستندات متواتر روایی و تاریخی تولد امام علی (ع) داخل کعبه قطعی است و علی‌رغم شگفت‌انگیز بودن این حادثه نباید آن را غلوآمیز دانست. بنابراین از نگاه محقق عاملی هر حادثه شگفت‌انگیزی دلیل بر نفوذ غلو در ساخت و پرداخت آن نیست و اگر نصوص متواتر و قطعی بر تحقق یک واقعه اعجاب‌برانگیز و غیرعادی داشته باشیم نباید آن را حمل بر غلو کرد. نمونه‌های دیگر این رویکرد وی را می‌توان در تأکید بر صحت مستندات روایی و تاریخی وقایع خاص در روز عاشورا چون قرآن خواندن سر مبارک امام حسین (ع) در بالای نیزه، رنگین شدن آسمان به رنگ خون در روز شهادت امام حسین (ع)، ظهور کرامات و معجزات به دست معصومان از جمله تأثیر آبی نقرین فاطمه (س) در بلند شدن دیوارهای مسجد هنگام اجبار امام علی (ع) برای بیعت و... مشاهده کرد که از نگاه محقق عاملی به دلیل علمی اعتبار آنها اثبات شده است. هر چند که رویکرد مادی‌گرا در سیره‌نگاری از طرح این نصوص خودداری می‌کنند.^{۴۸}

۴. احتیاط

رویکرد کلامی محقق عاملی در نقد نصوص چنین نیست که وی را همانند برخی از عقل‌گرایان افراطی به نفی و طرد گزارش‌هایی از سیره علی (ع) سوق دهد که با دستاوردهای عقل خود بنیاد بشری ناهمگون می‌نماید. وی در مواجهه با چنین گزارش‌هایی از اصل «رد علم به اهل بیت» بهره‌مند است و با استفاده از این اصل ضمن حفظ صحت صدور این متون برای آنها مقاصدی قائل است که تنها راسخان در دانش از آن آگاه هستند. کاربست این اصل در نقد وی را از انکار و طرد این گونه گزارش‌ها مصون داشته و به احتیاط در نفی اصالت نصوص سوق داده است.

نمونه کاربست این اصل داوری محقق عاملی درباره حدیث سخن گفتن ذوالفقار در مقابل پرسش علی (ع) بعد از قتل عمرو بن عبدود است. این متن که در منابع روایی متقدم امامیه گزارش نشده است و ابتدا در الخرائج و الجرائح رواندی و سپس در منابع روایی متأخر چون بحار الانوار و مدینه المعاجز آمده است،^{۴۹} همچنان در نگاه محقق عاملی در بوته صحت صدور قرار دارد و مقصود اصلی از صدور این روایت را به ائمه ارجاع می‌دهد. پاسخ وی چنین است:

نقول: ليس لدينا ما ينفي صحة هذه الرواية . ومجرد الاستبعاد، والإعلان بانكارها، لا يكفي، لأن الجواب على ذلك هو أنه حين يصعب علينا فهم بعض ما ورد فيها، فإن علينا أن نكل علم ذلك إلى أهله، ما دام أنه لا يمس أساس العقيدة، ولا يؤثر على الضوابط والمرتكزات العامة للبحث العلمي الرصين.^{۵۰}

نمونه دیگر احتیاط‌گرایی محقق عاملی، کوشش تأویلی در توجیه گزارش «چگونگی تولد امامان» است. وی در نقد متن بارداری و وضع حمل متمایز مادران امامان از سایر زنان، ابتدا با رویکرد تأویلی تلاش می‌کند معنایی مقبول از برخی فقرات آن ارائه کند، اما در نهایت از قاعده توقف و رد علم معنای حقیقی آن به معصومان بهره می‌جوید و گویی قصد دارد که خواننده خود به قضاوت بنشیند.^{۵۱} هر چند تلاش محقق عاملی در این تحلیل و نقد ستودنی است، توجه به نکات ذیل نیز اعتبار سنجی این متن ضروری است:

الف) کهن‌ترین مصدر اصلی این گزارش کتاب الهدایة الكبرى خصیصی در باب سيدة النساء فاطمة الزهراء (س) است که در آن چنین آمده است:

والذي ولدت فاطمة (عليها السلام) من أمير المؤمنين (عليه السلام): الحسن والحسين ومحسنا سقطا وزينب وأم كلثوم وكان اسمها آمنة، وولدت الحسن والحسين من فخذها الأيمن وأم كلثوم وزينب من فخذها الأيسر. ومثله ما روى عن وهب بن منبه ان مريم ولدت عيسى (صلوات الله عليه) من فخذها الأيمن وان النفخة كانت من جيبها والكلمة على قلبها.^{۵۲}

در ظاهر عبارات اشاره‌ای به انتساب این متن به عنوان روایت به معصومان وجود ندارد. در متون قبلی این متن نیز سندی ذکر نشده است که تحویل به سند روایت قبلی را محتمل بدانیم. اصل کتاب الهدایة الكبرى به جز بخش‌هایی از آن فاقد سند روایی معهود کتاب‌های حدیثی است. ضمن اینکه محققان به تحریف در نسخه

۴۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰ ص ۲۴۹ و ۱۵۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۲۱۶؛ مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۱۹؛ شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۸۹.
۵۰. الصحيح من سيرة الإمام علي (ع)، ج ۴، ص ۹۱-۹۲.

۵۱. هر چند وی در ابتدا با عبارت «وهذه الرواية لا يصح الاعتماد عليها، بل يكذبها الواقع العملي لأهميات المعصومين» صحت این متن را زیر سؤال می‌برد و در ادامه در توجیه وجود این گونه از متون در منابع امامیه به تأویل متن «وإنما نحمل في الجنوب» می‌پردازد و آشکارشدن بارداری مادران معصومان را برای حفظ آنان از گزند دشمنان تأویل می‌کند؛ اما در پایان در توجیه جمله‌ای از متن الهدایة الكبرى ناگزیر به توقف می‌گراید: «ولو أغمضنا النظر عن كل ما ذكرناه، فلا بد أن نقول: لو صح أن الولادة كانت من الفخذ الأيمن، ولم يكن من زيادات الغلاة، فلا بد من رد علمه إلى أهله». (همان، ج ۱، ص ۷۴-۷۷)

۵۲. الخصیصی، الحسين بن حمدان: الهدایة الكبرى؛ چاپ: الرابعة، ۱۹۹۱م، مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ص ۱۸۰-۱۸۱.

اصل الهدایة الكبرى^{۵۳} و دستبرد در برخی از فقرات آن نیز تصریح دارند؛^{۵۴} از جمله تمام باب سیده النساء فاطمه الزهراء (س) در برخی از نسخه‌های خطی معتبر و کهن این اثر وجود ندارد.^{۵۵} به همین سان جمله «إننا معاشر الأوصیاء لسنا نحمل فی البطون، وإنما نحمل فی الجنوب، ولا نخرج من الأرحام، وإنما نخرج من الفخذ الأيمن» بر پایه محقق کتاب الهدایة الكبرى از زیادات راوی این اثر است و مخالف با گزارشی است که به تولد حضرت مهدی (عج) از رحم مادر بزرگوارشان تصریح دارد.^{۵۶} بنا بر این به نظرمی آید اطلاق عنوان روایت به این متن بر پایه معیارهای دانش رجال شیعه و کاربست قواعد فقه الحدیث در تبیین معنا و مقصود آن و استناد به قاعده رد علم در توجیه آن نادرست است. کاربست این قواعد به ویژه قاعده توقف و رد علم به مقصود اصلی حدیث به معصوم درباره احادیثی صادق است که اطمینان به صدور آن از معصوم داریم؛ در حالی که در این مورد شواهد متعددی برخلاف آن داریم. همچنین کاربست رویکرد تأویلی برای توجیه معنای ظاهری آن یا تمسک به قواعد رفع تعارض برای جمع آن با واقعیت متعارف و سایر ادله معتبر روایی با رویکرد استدلالی سازگار نیست.

ب) در متن کتاب الهدایة الكبرى خصیصی عبارت «ومثله ما روی عن وهب بن منبه ان مریم ولدت عیسی (صلوات الله علیه) من فخذها الأيمن» آشکارا به این نکته اشاره دارد که نویسنده قصد دارد با ارجاع به وهب بن منبه میان چگونگی تولد حسنین (ع) با تولد عیسی (ع) تماثل برقرار کند، اما از این مهم غفلت کرده است که این ادعا در آیات قرآن و دیدگاه رایج در میان مسیحیان شناخته شده نیست. حتی این متن از وهب بن منبه در منابع اسرائیلیات نیز به دست نیامد. به نظرمی آید با توجه به شیوع نگره‌های گنوسی و غالیانه میان مسیحیان شام این متن از زیادات جریان غلو شام است که به کتاب الهدایة الكبرى خصیصی افزوده شده است.

۵. تاریخ‌گذاری

سنجش مدعیات مورخان و سیره‌نگاران با تاریخ واقعی حوادث و کشف میزان وثاقت و صحت آنها از جمله اصول نظریه نقد محقق عاملی است که وی را ارزیابی عمیق نصوص و نشان دادن حقایق تاریخی توانا ساخته است. محقق عاملی گاهی از اصطلاح تاریخ‌گذاری حدیث نیز بهره‌مند است و نظریه اهمیت آن جستاری نیز بدان اختصاص داده است.^{۵۷} برای مثال وی با دقت در نصوص حدیث منزلت، بیست و یک موقعیت زمانی و مکانی را از منابع برای تاریخ صدور این حدیث استخراج کرده است که غزوه تبوک یکی از آنهاست و این اهمیت و جایگاه این حدیث را در تثبیت مقام وصایت علی (ع) برای رسول خدا (ص) اثبات می‌کند.^{۵۸}

توجه به تاریخ صحیح و دقیق صدور حدیث محقق عاملی را در ابطال گزارش‌های ناصواب توانا کرده است. برای نمونه برخی از منابع وابسته به جریان‌های اموی تلاش دارند سبب و تاریخ صدور حدیث «إنه سوف یرسل رجلاً یحب الله ورسوله و یحبه الله ورسوله» را بعد از قتل محمود بن مسلمه توسط عمرو بن عبدود جانمایی کرده و برای محمد بن مسلمه در این خبر دادن این واقعه به رسول خدا (ص) نقش تراشی کنند. از نگاه محقق عاملی تاریخ صحیح صدور این حدیث واقعه قتل عمرو بن عبدود به دست علی (ع) است و تاریخ‌گذاری نخست را به هدف

۵۳. نمونه‌ها را بنگرید: الخصیصی، الحسین بن حمدان؛ الهدایة الكبرى؛ تحقیق: شوقی امین الحداد؛ دار زین العابدین، ۲۰۱۹م، ص ۱۶۲-۱۶۴.

۵۴. همان، ص ۱۴۹-۱۵۸.

۵۵. الخصیصی، الحسین بن حمدان؛ الهدایة الكبرى؛ تحقیق: شوقی امین الحداد؛ دار زین العابدین، ۲۰۱۹م، ص ۳۷۲. مقصود وی یکی از نسخه‌های موجود از این کتاب در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم است که از نظر تاریخ استنساخ کهن‌ترین نسخه موجود از این اثر است. (بنگرید: همان، ص ۱۵-۱۶ و ص ۱۴۷)

۵۶. عبارت وی چنین است: «هذه الزیادة تفرد بروایتها هذا الراوی و لا توجد عند غیره و الروایة الآتیه و فی الروایة رقم ۶ و کثیر من أمثالها تقول: لما خرج صاحب الزمان من بطن أمه سقط جائئاً... الخ و لم تقل الروایة: خرج من جنب أمه أو من جیبها». (الخصیصی، الحسین بن حمدان؛ الهدایة الكبرى؛ تحقیق: شوقی امین الحداد؛ دار زین العابدین، ۲۰۱۹م، ص ۶۰۸) روایت «تولد از رحم مادر» در الغیبه شیخ طوسی چنین گزارش شده است: «وروی علان الکلبینی، عن محمد بن یحیی، عن الحسین بن علی النیشابوری الدقاق، عن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن موسی بن جعفر علیهما السلام، عن السیاری قال: حدثنی نسیم و ماریة قالت: لما خرج صاحب الزمان علیه السلام من بطن أمه سقط جائئاً علی رکتیه، رافعا سبایتة نحو السماء». (طوسی، الغیبه، ص ۲۴۴)

۵۷. الصحيح من سيرة الامام علی (ع)، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۸.

۵۸. همان، ج ۶، ص ۲۸۹-۲۹۴.

تشکیک در زمینه صدور این حدیث، دورکردن اذهان از فرار عمر بن خطاب در واقعه فتح خیبر به دلیل ترس از عمرو بن عبدود و فضیلت تراشی برای محمد بن مسلمه و سرپوش نهادن برای مشارکت وی در هجوم بر خانه فاطمه (س) بعد از رحلت رسول خدا (ص) می‌داند.^{۵۹}

تاریخ‌گذاری صدور حدیث لهجه منتخب وحی برای گفتگو با پیامبر (ص) در معراج نمونه دیگر از گونه اخیر است. جریان اموی در سیره‌نگاری ادعا دارد که خداوند در معراج اول با لهجه ابوبکر با رسول خدا (ص) گفتگو کرد. محقق عاملی در نقد این ادعا تصریح دارد که اساساً ابوبکر در معراج نخست هنوز اسلام نیاورده بود و از زمره مسلمانان نبود تا خداوند لهجه وی را معیار گفتگو با رسول خدا (ص) قرار دهد؛ زیرا معراج رسول خدا (ص) بر پایه روایات معتبر در سال سوم بعثت واقع شد و ابوبکر در این سال مسلمان نبود و اسلام ابوبکر در سال پنجم یا ششم بعثت بود. بر پایه روایات معتبر خداوند با لهجه امام علی (ع) در شب معراج نخست با رسول خدا (ص) سخن گفت.^{۶۰}

بطلان پنداره رضاع حسن (ع) از همسر عباس نمونه دیگری از کاربری اصل تاریخ‌گذاری در سیره‌نگاری محقق عاملی است. سیره‌نگاران وابسته به جریان عباسیان ادعا دارند که ام فضل همسر عباس بن عبدالمطلب با استناد به خواب و با تأیید و اذن رسول خدا (ص)، حسن (ع) را بعد از تولد در مدینه شیر داده است. از نگاه محقق عاملی این گزارش نادرست است؛ زیرا اساساً عباس و همسرش ام فضل در مدینه حضور نداشتند. محقق عاملی هدف از جعل این گونه گزارش‌ها از سوی عباسیان را تلاش برای نسب سازی آنان با حسنین (ع) می‌داند.^{۶۱}

به همین سان تعیین زمان و مرجع اعطای لقب صدیق اکبر به امام علی (ع) از جمله دقت نظرهای محقق عاملی در تاریخ‌گذاری است. وی با اشراف بر نصوص و دقت در تاریخ‌گذاری نصوص معراج رسول خدا (ص) را به معراج مکی - پیشا هجرت و معراج مدنی - بعد از هجرت تقسیم کرده است. اعطای لقب الصدیق اکبر از سوی خداوند به امام علی (ع) را در معراج بعد از هجرت رسول خدا (ص) تاریخ‌گذاری کرده است؛ لذا این لقب از القاب مدنی امام علی (ع) با مرجع وحیانی است و اطلاق این لقب به غیر امام علی (ع) نادرست است.^{۶۲}

۶. قرآن محوری

نظریه گزارش حوادث مهم تاریخ صدر اسلام در قرآن و مشارکت علی (ع) در غالب این حوادث در معیت رسول خدا (ص)، مراجعه به قرآن در سیره‌نگاری امام علی (ع) ضرورتی انکارناپذیر است و کارکردهای متنوعی در سیره‌پژوهی دارد.^{۶۳} در نظریه نقد محقق عاملی استناد به قرآن به مثابه منبع اصیل در گزارش حوادث سیاسی، فرهنگی، اجتماعی حیات علی (ع) و عیاری برای سنجش گزارش‌ها و نظریه‌های موجود در منابع تاریخی و حدیثی به عنوان یک اصل مهم حضور جدی دارد. بنابراین استناد به قرآن در نقد دارای کارکرد دوگانه‌ی «منبعی برای تقریر معتبر از حوادث» و «سنجه‌ای برای اعتبارسنجی گزارش‌ها از حوادث تاریخی صدر اسلام» است.

محقق عاملی از هر دو کارکرد قرآن در سیره‌نگاری علی (ع) آگاه و بهره‌مند است. وی در کارکرد نخست قرآن در سیره‌نگاری، با ترسیم فضای نزول و با استناد به اسباب نزول از فضایل علی (ع) دفاع کرده و به شبهات پاسخ می‌دهد. برای نمونه بر پایه روایت ابن مسعود، سبب نزول آیه «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ» شجاعت علی (ع) در به هلاکت رساندن عمرو بن عبدود و دیگر سرداران جبهه شرک در جنگ خندق است. همچنین بر اساس روایت جابر بن عبد الله انصاری قتل عمرو بن عبدود به دست علی (ع) در جنگ خندق از مصادیق جری و تطبیق آیه «فَهَرَّ مُؤْمِهِمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ» است. محقق عاملی با استناد به روایات فوق و با گزارش نصوص بیانگر

۵۹. همان، ج ۴، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۶۰. همان، ج ۲، ص ۶۲-۶۳.

۶۱. همان، ج ۳، ص ۸۲-۸۳.

۶۲. الصحیح من سیره الإمام علی (ع)، ج ۲، ص ۶۸.

۶۳. بنگرید: داداش نژاد، منصور، قرآن و سیره‌نویسان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش، ص ۳۰۴.

مبارزات علی(ع) در جنگ خندق، مستندات قرآنی شجاعت بی نظیر علی(ع) در جنگ خندق و اشتها آن میان صحابه را اثبات می‌کند.^{۶۴}

نمونه دیگر استنادات محقق عاملی به اسباب نزول سوره و العادیات است. بر پایه این مستندات سوره و العادیات در غزوه ذات السلاسل نازل شد و فرازهای نخستین آن به اقدام علی(ع) و یاران ایشان در آماده‌سازی اسب‌های جنگی اشاره دارد که مورد تحسین وحی قرار گرفت و اصول نبرد با دشمن چون تمهید مقدمات جنگ، آرایش نظامی، سرعت انتقال در جنگ و... که علی(ع) آنها را تمهید و مدیریت می‌کرد، مورد تأیید وحی واقع شد.^{۶۵} محقق عاملی با بهره‌مندی از سوره عادیات و تطبیق آن با سیره امام علی(ع) در مدیریت غزوه ذات السلاسل در ده بند به تبیین ده اصل از اصول جنگ بر پایه معیارهای وحیانی می‌پردازد که از دقت نظر ایشان در تحلیل سیره علوی در پرتو قرآن حکایت دارد. وی با بیان مستندات قرآنی سیره علوی، اعتبار فضایل و عملکرد امام علی(ع) را از گزند هرگونه نقد و تردید مخالفان ایمن و مصون و خواننده به سیره‌نگاری وی اطمینان پیدا می‌کند.

محقق عاملی همواره با عیار قرآن به نقد و سنجش نصوص و نگره‌های مورخان و سیره‌نگاران می‌پردازد و گاهی با استناد به اصول و قواعد تفسیری به تطبیق‌های نادرست آیات قرآن درباره شخصیت و منش علی(ع) را به بوته نقد می‌سپرد. برای نمونه در گزارشی شأن نزول آیه «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»، علی(ع) گفته شده است. از نگاه محقق عاملی این گزارش به دلیل ناسازگاری با سیاق متنی آیات نادرست است؛ زیرا سیاق آیات پیشین، سیاق توبیخ و سرزنش افرادی است که به دلیل دستیابی به مطامع دنیوی در غزوه ذات السلاسل شرکت کرده بودند و بر پایه ادامه همین گزارش روز قیامت خداوند باطن پلید و نیات پلشت آنان را نمایان خواهد کرد. روشن است که این نگرش با شخصیت و سیره علی(ع) ناسازگار است.^{۶۶} همچنین محقق عاملی با آگاهی از شأن نزول‌های برساخته جریان اموی-زبیری به دفاع از امام علی(ع) می‌پردازد. نمونه این مهم را در داستان افک شاهد هستیم که با اشراف کامل از اسباب نزول ساختگی، عبدالله بن ابی را پردازشگر اصلی این داستان علیه عایشه و سوق دادن اتهامات علیه امام علی(ع) معرفی می‌کند.^{۶۷}

محقق عاملی پنداره نزول آیه «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ» در شأن زید بن ارقم یا عمر بن خطاب در غزوه مریسح (در گزارش سخن عبدالله بن ابی به پیامبر(ص)) در عزیزخواندن خویش و دلیل دانستن رسول خدا(ص)) را با استناد به سیاق متنی و تاریخی نادرست می‌داند؛ زیرا آیه «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ» ضمن سوره الحاقه پیش از هجرت به مدینه نازل شده است و تا زمان نزول این سوره عمر بن خطاب اسلام نیاورده است. سیاق آیات پیشین آیه «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ» گزارش عاقبت تلخ قوم عاد، ثمود، فرعون، مؤتفکات و دیگر منکران وحی و نبوت است تا اینکه قرآن ضمن آیه «إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ، لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ» بر ضرورت عبرت‌گیری صاحبان اندیشه از سرنوشت این طغیانگران از طریق گوش سپردن به داستان آنان تأکید دارد. بنابراین سیاق این آیات با گفتگوی زید با عبدالله بن ابی پیوند و انسجام ندارد. ضمن اینکه هر دو ادعای مذکور با دیگر گزارش‌های معتبر تاریخی در نزول این آیه در شأن امام علی(ع) تصریح دارند.^{۶۸}

محقق عاملی ذیل جستار «الشانئون والحاقدون» ضمن شش دلیل استوار به نقد و ابطال پنداره ابن تیمیه در موضوع بودن حدیث نزول آیه فوق در شأن امام علی(ع) و فرضیه تعدد یا تکرار نزول آیه درباره این اشخاص می‌پردازد که در پاسخ این فرضیه را فاقد شاهد دانسته و رأی مفسران را مخالف آن می‌داند. در نتیجه فرضیه سازی ابن تیمیه

۶۴. الصحيح من سيرة الامام علي(ع)، ج ۴، ص ۱۲۰.

۶۵. همان، ج ۵، ص ۱۵۹-۱۶۶.

۶۶. همان، ص ۱۸۵-۱۸۷.

۶۷. برای تفصیل بنگرید: همان، ج ۴، ص ۱۷۸-۲۰۰.

۶۸. همان، ص ۱۷۶-۱۷۳.

برای تردید افکنی درباره نزول آیه «وَتَعْبِيهَا أَذُنٌ وَأَعْيَةٌ» در شأن امام علی (ع) چیزی جز حسادت و کینه‌وزی وی نسبت به اهل بیت نیست.^{۶۹}

گاهی نیز شبهات سیره علی (ع) را با اقتباس از ظواهر و مقاصد قرآنی پاسخ می‌دهد. شبهه تعارض رصد دشمن هنگام نماز با موازین فقهی از این جمله است. از مسلمات فقه اسلامی، اشتغال نداشتن به غیر هنگام نماز است، ولی بر پایه نصوص روایی و تاریخی امام علی (ع) در جنگ خندق هنگام خواندن نماز به رصد حرکات دشمن نیز می‌پرداخت. از لوازم طبیعی رصد نیز توجه به حرکات دشمن با نگاه کردن و گوش سپردن است و این با روح و نیت نماز در انقطاع از غیر خداوند در تضاد است. محقق عاملی در جستار «الراصد المصلی» با استناد به آیات، روایات و سیره چهار پاسخ استدلالی به این شبهه می‌دهد. وی با قیاس رصد دشمن به صدقه دادن هنگام نماز در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» به این اشکال چنین پاسخ می‌دهد: صدقه دادن هنگام نماز نه تنها منافاتی با اقامه نماز ندارد، بلکه از نگاه و حیانی امر ممدوح و حسن است.^{۷۰}

روشن است که وی با استفاده از قاعده تنظیر در تفسیر و همچنین با استناد به مقاصد قرآنی شبهه مذکور را سست بنیان می‌داند.

۷. جریان شناسی

توجه به پیوند و اثرپذیری سیره‌نگاری از جریان‌های فکری و سیاسی و گریز از نگاه بریده و جزیره‌وار به احادیث به عنوان تک‌گزاره از جمله اصول مهم نظریه نقد محقق عاملی در سیره‌نگاری امام علی (ع) است. وی بارها به نقش زبیریان،^{۷۱} امویان، نواصب و خوارج، یهود، دوستان خلفا و خرده‌جریان‌های وابسته به منافقان^{۷۲} و قریشیان^{۷۳} در کتمان حقایق سیره علوی و وارونه جلوه دادن فضایل امام علی (ع) تصریح دارد و آن را عادت و روش دشمنان امام می‌داند که در ربودن فضایل وی و برساخت آن برای همکیشان خویش تبخردارند^{۷۴} و تا ممکن است تلاش می‌کنند اسم و شجاعت علی (ع) را در بزنگاه‌های حساس تاریخ اسلام کتمان و اسامی افراد وابسته به جناح و جریان خویش را جایگزین آن کنند؛^{۷۵} جایگاه رفیع علی (ع) را در تراز افراد عادی تقلیل می‌دهند تا سران خویش را بر وی ترجیح دهند.^{۷۶} در کتاب الصحیح من سیرة الامام علی (ع) این اصل جایگاه مهمی در نقد و سنجش نصوص

۶۹. همان، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۷۰. همان، ص ۲۵-۲۸.

۷۱. محقق عاملی شماری از نصوص و روایات را روایت زبیره می‌نامد که راوی آنها شخص زبیر بن عوام است که برای پیشبرد اهداف خود آنها را نقل کرده است و زبیریان نیز آن را ترویج داده‌اند. این در حالی است که مضمون این روایات با ویژگی‌های شخصیتی و گرایش‌های اعتقادی زبیر در تضاد آشکار هستند. (بنگرید: همان، ج ۵، ص ۲۵۷)

۷۲. همان، ج ۶، ص ۲۷۱ و ص ۳۱۱ و ص ۳۱۲

۷۳. همان، ج ۶، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۷۴. همان، ج ۲، ص ۱۹۵. در جای دیگری به تنگ‌نظری و حسادت آنان در پذیرش فضایل و کرامات امام علی (ع) چنین اشاره دارد: «ولکنهم أغاروا علی هذه الفضيلة ظناً منهم أنها مستورة، أو غير مشهورة، لأنهم كانوا في أشد الضيق من كرامات و جهاد و مواقف علي، خصوصاً مبيته في فراش رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة الهجرة، مع ظهور ضعف أبي بكر في حزنه الذي حكاه الله عنه. فحاولوا إبطاء أبي بكر في الغار بما لا يزيد عليه، ثم حاولوا أن يمنحوا عمر بن الخطاب هذه الفضيلة على لسان علي عليه السلام»، لأن ذلك أوقع في النفس، وأبعد عن الشبهة، وأدعى إلى القبول والتسليم. ولكن الله تعالى قد فضح أمرهم، وأكذب أحدوتهم، وهو المستعان على ما يصفون». (همان، ج ۲، ص ۲۰۰)

۷۵. دو نمونه مشهور راهبرد کتمان، ذکر نکردن و ابهام‌سازی در حضور علی (ع) در فتح خیبر و تکیه دادن رسول خدا (ص) به علی (ع) هنگام خارج شدن برای نماز در روز پایانی حیات ایشان از سوی رومیان و سیره‌نگاران وابسته به خط سبزی با فضایل علوی است. (بنگرید: همان، ج ۴، ص ۲۶۱-۲۶۲)

۷۶. وی بخشی از اقدامات جریان اموی را در این باره چنین گزارش می‌کند: «... ۱. قد أخرج اتباع معاوية ومحببيه بعد قضية التحكيم بعد صفين فليجأوا إلى إثارة الشبهات حول علي عليه السلام»، لتخفيف الوطأة عن فريقهم. ۲. إن نفس الطعن بقداسة علي عليه السلام، وفي عصمته، والحظ من مقامه، والنيل منه، وإبتذال شخصيته، ونسبة الرذائل والمعاصي إليه، وتصغير شأنه، حتى يصبح كسائر الناس العاديين، أمر مطلوب، ومحبوب لأعدائه، ومناوئيه. وبذلك تضعف حجة الطاعنين في مناوئيه، ويخرج أتباعهم من الإحراجات القوية التي تواجههم. ۳. تكريس أبي بكر على أنه الرجل المميز بين جميع الصحابة، الذي كان يرى في الحديثية رأي رسول الله صلى الله عليه وآله، ويدعون الناس للقبول منه، والتسليم له. ۴. إن السعي إلى جعل علي وعمر في سياق واحد، من حيث إن هذا يشك في دينه في الحديثية، وذلك يعصي أوامر الرسول الأكرم (صلى الله عليه وآله) من شأنه أن يوجد حالة من التوازن، ثم ترجح كفة الفريق الآخر

تاریخی سیره علوی دارد. نمونه‌های ذیل فراست محقق عاملی را در نقد رویکرد این جریان‌ها در فضیلت‌زدایی از امام علی(ع) و فضیلت‌تراشی برای سردمداران جناحی و حزبی خود نشان می‌دهند؛ جریانی که تا حد انکار حقایق تاریخی و تردید در نصوص متواتر تاریخی پیش رفتند. در این میان جریان سقیفه تلاش وافر دارد از طریق تحریف حقایق تاریخی، ضعف عملکرد و شخصیت سران خویش در دوره حیات رسول خدا(ص) را جبران کند و این مهم برای آنان جز با انکار اوصاف برجسته امام علی(ع) میسر نیست.^{۷۷} نظریه اهمیت و بسامد فراوان استناد محقق عاملی به نقش منفی جریان ستیز با فضایل علوی و اعتبارزدایی از مستندات آن، نمونه‌های این اصل را در سه جریان مستقل از همدیگر گزارش می‌کنیم:

زبیریان و امویان

۱. نقش تراشی برای زبیر بن عوام در خواستگاری امام علی(ع) از امامه: محقق عاملی با طرح چندین مناقشه و سؤال درباره گزارش درخواست امام علی(ع) از زبیر بن عوام برای خواستگاری یا اجرای صیغه عقد با امامه، اعتبار آن را دچار چالش و اصالت آن را زیر تیغ نقد می‌سپرد.^{۷۸} با وجود حیات پدر امامه و رشید بودن این بانو هیچ نیازی برای واسطه قرارداد زبیر در این ازدواج نیست و طرح احتمال اجرای صیغه عقد نکاح از سوی زبیر بن عوام تنها برای فضیلت‌تراشی وی ساخته شده است تا نیازمندی امام علی(ع) به وی را مطرح کند. حال آنکه با توجه به توصیه فاطمه(س) به امام علی(ع) برای ازدواج با امامه نیازی برای مشورت و وساطت زبیر در این امر وجود ندارد.^{۷۹}

۲. تلاش برای تحریک غیرت رسول خدا(ع) و فاطمه(س) علیه امام علی(ع). امویان و زبیریان طی چندین گام با ارائه گزارش‌های نادرست به رسول خدا(ص) از عملکرد امام علی(ع) به دنبال ایجاد اختلاف در روابط زناشویی امام علی(ع) با فاطمه(س) بودند. این جریان از همان آغاز با ازدواج علی(ع) و فاطمه(س) مخالف بودند؛ زیرا رسول خدا(ص) خواستگاری سران آنان را رد کرد، ولی به خواستگاری امام علی(ع) پاسخ مثبت داد. توجه به ریشه‌های این حسادت و کینه‌ورزی و استمرار آن تا سال‌های پایانی حیات رسول خدا(ص) از جمله دقت نظرها و رویکردهای انتقادی محقق عاملی است.^{۸۰} جعل گزارش‌های نادرست از اکراه فاطمه(س) در ازدواج با علی(ع) به دلیل فقر مالی و ایرادات کودکانه چون بزرگی شکم و همانند آن از جمله تلاش‌های این جریان است تا شکست سران خود را در جلب رضایت رسول خدا(ص) برای ازدواج با فاطمه(س) سرپوش بگذارند.^{۸۱}

این جریان وقتی نتوانست مانع این ازدواج شود در ادامه با فرافکنی گسترده در جعل و اشاعه اخبار کذب با مضامین فقر شدید علی(ع) در تأمین مقدمات ازدواج و نقش آفرینی عثمان در این مهم، وقوع امور خلاف شرع در شب ازدواج علی(ع) و فاطمه(س) و مشابه این گزافه‌ها، گزارش ناخوشایند و مشوه از مراسم ازدواج علی(ع) و فاطمه(س) در تاریخ ثبت کردند. خرافات برساخته این جریان در این واقعه تا حدی است که محقق عاملی را ناگزیر به اختصاص

۷۷. حث جعل أبوبکر فوق الجميع، بل هو في مستوى رسول الله (صلى الله عليه وآله). (همان، ج ۴، ص ۲۴۶-۲۴۸)

۷۸. نمونه آشکار این مورد تصریح محقق عاملی به جاسازی ابودجانه به عنوان صاحب ذوالفقار در جنگ بدر است که سران سقیفه از آن برای پوشش ترس و فرار خود در جنگ بدر بهره بردند. عبارت وی چنین است: «فالمطلوب من حشر اسم علي (عليه السلام) بين هؤلاء هو التغطية على فرار الزعماء الذين تمكنوا من استلاب الخلافة من صاحبها الشرعي بعد استشهاد رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (نقد‌های محقق عاملی را بنگرید: همان، ج ۳، ص ۱۹۴-۱۹۹)

۷۹. از نگاه محقق عاملی اصل ادعای نیاز امام علی(ع) به وساطت زبیر برای خواستگاری امامه از پدرش با چالش مواجه است؛ زیرا با وجود حیات پدر امامه به خواستگاری وی از زبیر نیازی نبود و بعد از مرگ پدرش نیز امامه از رشد و بلوغ کافی برخوردار بود و نیاز به اذن و وساطت زبیر نداشت / با احتمال نایب بودن و صغر سن امامه نیز اصل توصیه فاطمه(س) به ازدواج امام علی(ع) با وی نیز مخدوش می‌شود؛ زیرا با این شرایط امامه توانایی مراقبت از حسنین و زینب را نداشت. پس تنها احتمال مشارکت زبیر در اجرای صیغه عقد امامه با امام علی(ع) می‌ماند که با وجود خود امام چنین نیازی منتفی است. (بنگرید: العاملی، السيد جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة الامام علی(ع)، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۴)

۸۰. ولعل مقصود الراوي: أن الزبير كان وكيلاً عنها في إجراء صيغة النكاح الشرعي مع الإمام (عليه السلام). ثم طور ذلك وحوره لكي يبدوا أن علياً (عليه السلام) بحاجة إلى الزبير، وأن للزبير شيئاً من الفضل على أمير المؤمنين (عليه السلام). (همان، ج ۱، ص ۲۷۴)

۸۱. برای تلاش سران جریان سقیفه برای ازدواج با فاطمه(س) با وجود فاصله سنی بسیار زیاد آنان و پیامدهای ناکامی آنان در این امر بنگرید: همان، ج ۳، ص ۱۸-۳۴.

۸۱. همان، ج ۳، ص ۲۸-۳۴.

جستاری با عنوان «ترهات و اباطیل» برای نقد آنها کرده است.^{۸۲} در گام سوم که با جعل و تحریف اخبار با مضامین خواستگاری امام علی (ع) از دختر ابوجهل،^{۸۳} ازدواج امام علی (ع) با کنیزی از اسیران جنگی، ازدواج امام علی (ع) با خوله مادر محمد بن حنفیه در دوره حیات فاطمه (ع)^{۸۴} تلاش کردند تا اقدام امام علی (ع) در نکاح با کنیزان و اسیران را در تضاد با تحریم ازدواج با زنان در دوره حیات فاطمه (س) نشان دهند تا ضمن ایجاد تردید در روابط عاطفی امام با فاطمه (س)، شخصیت بانوی بزرگوار را نیز تضعیف کنند و شخصیت امام علی (ع) را در تقابل با توصیه‌های رسول خدا (ص) در تکریم منزلت فاطمه (س) به تصویر بکشند.

محقق عاملی با تحلیل و نقد مستندات تاریخی انگیزه اصلی طراحان این اقدامات را تخریب شخصیت امام علی (ع) می‌داند.^{۸۵} سوی دیگرین تخریب در تقابل نشان دادن شخصیت و منش امام علی (ع) با رسول خدا (ص) در نام‌گذاری پسران ایشان و فاطمه (س) است که امام علی (ع) آنان را حرب نامید، ولی رسول خدا (ص) آنها را به شبر، شبیر و مشبر تغییر نام داد. از نگاه محقق عاملی هدف این اقدام انکار شهادت حضرت محسن (ع) در حادثه حمله به خانه فاطمه (س) و خشونت طلب نشان دادن شخصیت امام علی (ع) است تا از ارزش دینی مجاهدت‌های وی در جنگ‌ها بکاهند.^{۸۶} محقق عاملی اهداف وضع و جعل در موضوع روابط امام علی (ع) با فاطمه (س) را موشکافانه نقادی می‌کند که در نوع خود این نقدها و تحلیل کم نظیر است. وی این اهداف را چنین برمی‌شمرد:

الف) تلاش برای همانندسازی و عادی جلوه دادن اختلافات خانوادگی همسران پیامبر (ص) با ایشان به سان اختلافات فاطمه (س) با امام علی (ع)؛ همان طور که برخی از همسران رسول خدا (ص) ایشان را غضبناک می‌کردند، فاطمه (س) نیز چنین بود و این از اقتضائات زندگی زناسویی است و گریزی از آن نیست. هدف از این اقدام عادی‌سازی و طبیعی نشان دادن اختلاف نظر همسران رسول خدا (ص) با ایشان است که آیات متعددی در عتاب و تهدید برخی از آنان نازل شده است.

ب) شمول تهدید روایت «من أَعْضِبَهَا (أى فاطمة) فقد أَعْضِبَنِي» بر امام علی (ع)؛ امویان و زبیریان تلاش کردند تا چنین جا بیندازند که روایت «من أَعْضِبَهَا (أى فاطمة) فقد أَعْضِبَنِي» اطلاق دارد و افزون بر دیگران خود امام علی (ع) را نیز شامل می‌شود و این امام علی (ع) بود که بر پایه اسباب صدور ساختگی این جریان فاطمه (س) غضبناک گردد.

ج) تلاش برای خشن نشان دادن اخلاق و منش امام علی (ع) در برخورد با فاطمه (س) و ناخوشایندی ایشان از ازدواج با وی.^{۸۷}

۳. تردید در فضیلت اختصاصی «علی (ع) مولد کعبه»: برآیند پژوهش سیره‌نگاری محقق عاملی درباره تولد امام علی (ع) دو پیامد مهم در پی دارد: نخست اختصاص فضیلت «یگانه مولود کعبه» به امام علی (ع) و تکریم و عنایت الهی در شأن امام و مادر بزرگوار. دوم نقد نظریه رقیب که با فضیلت‌تراشی تولد شخص دیگر، به نام حکیم بن حزام در داخل کعبه، اختصاص و انحصار این فضیلت برای امام علی (ع) را برنتافته و تلاش دارد با نظیرسازی این فضیلت را کم‌رنگ نشان دهد. حکیم بن حزام از تبار زبیریان، پسرعموی زبیر بن عوام، از شمار مؤلفه القلوب و از جمله کسانی است که در سال فتح مکه اسلام آورد، در دوران حیات رسول خدا (ص) کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را احتکار می‌کرد، از مخالفان امام علی (ع) بود، به همین دلیل وی را در عثمانی مسلک بودنش اهل تعصب

۸۲. همان، ج ۳، ص ۴۵-۷۵.

۸۳. از نگاه محقق عاملی این گزارش سراسر کذب و نمونه آشکاری از وضع و جعل مخالفان درباره شخصیت امام علی (ع) است که به اسطوره شبیه است هر چند که بخاری و همگنان وی نیز آن را روایت کرده باشند. تناقض و اضطراب درون‌متنی روایات، انسجام نداشتن با روایت اعطای کنیه ابوتراب به امام، تعارض بیرونی با روایات امام علی (ع) و حدیث بریده... از جمله مناقشات محقق عاملی بر مستندات این اسطوره اموی است. (همان، ج ۳، ص ۶۱-۷۵)

۸۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۶۴.

۸۵. همان، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۶۴.

۸۶. همان، ج ۳، ص ۸۸-۹۷.

۸۷. همان، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷.

گفته‌اند. طبیعی است که راویان زبیری تبار و زبیری مرام چون زبیر بن بکار و معصب بن بکار ادعا کنند که به جز حکیم بن حزام فردی داخل کعبه به دنیا نیامده است. این در حالی است که اخبار متواتر خلاف آن را گزارش می‌کنند و روایت زبیریان فاقد تواتر بوده و به اسناد آن مناقشات جدی وارد است. در نتیجه در نگاه محقق عاملی هر گونه تلاش برای وجه جمع میان قول زبیریان با روایات متواتر تولد علی(ع) در داخل کعبه از اساس نادرست است؛ زیرا جمع میان حجت با غیر حجت باطل است.^{۸۸}

۴. تردید در سبقت اسلام امام علی(ع) بر ابوبکر: با وجود تواتر اخبار و نصوص در ازلین بودن امام علی(ع) در اسلام و ایمان به بعثت رسول خدا(ص)، جریان سقیفه تلاش جدی دارد که این فضیلت از امام را ستانده و ابوبکر را نخستین فرد مسلمان معرفی کند که در داستان سفر رسول خدا(ص) به شام و ملاقات وی با بحیرا به نبوت ایشان ایمان آورد. در همین سفر ابوبکر بلال حبشی را برای مراقبت از رسول خدا(ص) از گزند مخالفان به همراه وی فرستاد تا از ایشان تا مکه حفاظت کند. محقق عاملی این گزارش را دچار تناقضات متعددی می‌داند که نشانه‌های وضع و جعل را در آن هویدا می‌کنند. در نتیجه پنداره وجه جمع نخستین بودن اسلام ابوبکر از میان مردان و نخستین بودن اسلام امام علی(ع) از میان کودکان را تلاش سست این جریان می‌داند که راه را برای انکار نصوص متواتر مسدود دیده و به این وجه باطل تمسک جسته است.^{۸۹}

۵. مجاهدت تراشی برای حکیم بن حزام در داستان شعب ابوطالب: زبیریان برای کاستن از مجاهدت امام علی(ع) در تأمین آذوقه مسلمانان در حصر شعب ابوطالب مدعی شده‌اند که حکیم بن حزام نیز مخفیانه برای آنان غذا می‌فرستاد. محقق عاملی با استناد به نصوص و شخصیت‌شناسی حکیم بن حزام این ادعا را برخلاف اصول سیره رسول خدا(ص) و در تضاد با واقعیت‌های تاریخی درباره شخصیت نفاق‌آلود حکیم بن حزام ارزیابی می‌کند.^{۹۰}

۶. چالش در ایمان و شخصیت ابوطالب(ع): مسئله ایمان ابوطالب(ع) و رابطه رسول خدا(ص) با وی از جمله چالش‌های جدی سیره‌نگاری محقق عاملی در الصحيح من سيرة الإمام علی(ع) است؛ زیرا بسامد و بازتاب آشکاری در این کتاب دارد. تلاش برای تردید در ایمان حضرت ابوطالب(ع) به هدف تنقیص امام علی(ع) از جمله اقدامات گسترده زبیریان و امویان در سیره‌نگاری است که محقق عاملی با آگاهی از نقش این جریان در کتمان و وارونه‌سازی حقایق به تصحیح شخصیت مؤمنانه و مجاهدانه ابوطالب(ع) در دفاع از رسول خدا(ص) و تکریم شخصیت ابوطالب(ع) از سوی رسول خدا(ص) پرداخته است. پاسخ به پنداره عدم اقدام رسول خدا(ص) به امور کفن و دفن ابوطالب(ع)،^{۹۱} ابطال شبهه عدم اقامه نماز بر ابوطالب(ع)،^{۹۲} نقد انگاره تقلیل جنبه ایمانی حمایت ابوطالب(ع) از رسول خدا(ص) به جنبه عاطفی، نسبی و قومیت‌گرایی در داستان شعب ابوطالب و غیر آن^{۹۳} از مهم‌ترین نمونه‌های انتقادی محقق عاملی در دفاع از ساحت ایمان و مجاهدت پدر بزرگوار علی(ع) است.

۷. تلاش برای ابهام ایجاد کردن در جانفشانی امام علی(ع) در لیلۃ المبیت: در نگاه محقق عاملی جریان سقیفه از گذشته تا امروز تلاش می‌کند تا مجاهدت امام علی(ع) در لیلۃ المبیت و حکمت انتخاب ایشان برای این امر را انکار کند. جلوه این اقدام را در انکار و تکذیب نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» به عنوان

۸۸. همان، ج ۱، ص ۹۷-۱۰۱.

۸۹. همان، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۲.

۹۰. همان، ج ۲، ص ۸۰-۸۱.

۹۱. همان، ج ۲، ص ۹۲-۹۵ و ص ۱۰۶-۱۰۸.

۹۲. همان، ج ۲، ص ۱۱۳.

۹۳. محقق عاملی با گشودن جستاری با عنوان «حمية الدين هي الأفری» به ابطال این پنداره در ابعاد عاطفه‌گرایی و عصبيت قومی پرداخته است که از جمله نقدهای ناب و کوبنده وی در این اثر به شمار می‌آید. (بنگرید: همان، ج ۲، ص ۸۱-۸۴ و ص ۲۸۴)

مستند قرآنی این مهم در شأن امام علی (ع) و تحریف سبب نزول آن به صهیب رومی،^{۹۴} زبیر^{۹۵} و انکار پیوند این مهم با مسئله خلافت و وصایت بعد از رسول خدا (ص) است.^{۹۶}

۸. **تحریف و مصادره کنیه ابوتراب:** محقق عاملی در بحث از کنیه ابوتراب به صراحت از تحریف امویان در تغییر مضمون و هدف اعطای این کنیه به امام علی (ع) پرده برمی دارد. از نگاه ایشان امویان این کنیه را از کارکرد تعظیم آن برای امام به تنقیص و تحقیر ایشان تبدیل کردند تا سبب صدور صحیح و حکمت اصیل آن فراموش شود. کنیه ابوتراب محبوب ترین کنیه نزد امام علی (ع) و نمادی از نگرش ایشان به جایگاه ناچیز دنیا و دنیاگرایی و بطلان عصبیت و قومیت گرایی در اندیشه و منش علی (ع) است که در میان دوستان ایشان این منش و نگرش به شعار و شاخص علویان تبدیل شد به گونه ای که به مرور نزد دوستان و مخالفان امام علی (ع)، ترابیه بودن به شاخص اجتماعی علویان تبدیل شد و در نقد و سنجش سلوک و اخلاقیات شیعیان به کار رفت. امویان دنیاگرا و شهوت پرست که این نماد و نگرش را در تضاد با دنیاگرایی خود می دیدند، در تغییر زمینه ها، ماهیت و کارکرد این کنیه امام علی (ع) دست به تحریفی بزرگ زدند.^{۹۷}

۹. **تشبیه فرشتگان به زبیر بن عوام در جنگ بدر:** از جمله امداد غیبی خداوند در جنگ بدر نزول فرشتگان بود. دیدگاه مشهور و معتبر در منابع کهن تشبیه سیمای فرشتگان به صورت و رنگ عمامه امام علی (ع) است که در جان مشرکان خوف افکندند و اراده آنان را در هم شکستند، اما خط زبیری در سیره نگاری تلاش دارد با تحریف واقعیت ادعا کند که فرشتگان به هدف تشبیه زبیر بن عوام عمامه زرد بر سر داشتند. محقق عاملی با واکاوی و نقادی عمیق این ادعا دروغین بودن آن را آشکار کرده است. از جمله نقدها و مناقشات وی برای گزارش عبارت است: تعارض با سفید بودن رنگ عمامه فرشتگان در جنگ بدر، عدم ملازمه رنگ عمامه با تشبیه به صاحب عمامه، عدم خصوصیت زبیر بن عوام در جنگ بدر.^{۹۸}

۱۰. **زبیر بن عوام، قاتل نوفل بن عبدالله:** زبیر بن تلاش دارند که قتل نوفل بن عبدالله از بزرگان یهود را به زبیر نسبت دهند و با ادعای پیشنهاد هزینه هنگفت برای خرید جنازه نوفل برای وی همانند عمرو بن عبدود جایگاهی برتر میان مشرکان ترسیم می کنند تا نشان دهند که نوفل نیز همانند ابن عبدود شخصیت مهم و اثرگذار میان یهودیان بود و قاتل وی نیز باید از چنین ارج و منزلتی برخوردار باشد. محقق عاملی تصریح دارد که این گزارش بر ساخت زبیر بن عوام است تا از این طریق قتل نوفل بن عبدالله توسط علی (ع) را انکار و برای زبیر فضیلت تراشی کند.^{۹۹}

۱۱. **دستبرد در نصوص فتح بنی قریظه:** محقق عاملی بعد از نقد و ارزیابی نصوص شکست بزرگان صحابه در نبرد با سرداران یهود بنی قریظه تصریح دارد که این نبرد به جز مبارزه علی (ع) با عمرو بن عبدود چیزی جز شکست برای مسلمانان نداشت و این علی (ع) بود که در نهایت پیروزی را برای مسلمانان به ارمغان آورد و شکست بزرگان صحابه را جبران نمود، اما از سوی زبیر بن تلاش زیادی در تحریف تاریخ صدر اسلام صورت گرفته است تا این شکست ها را پوشانده و ظفر مندی علی (ع) را تضعیف کند که از جمله این گزاره ها مشارکت زبیر بن عوام با علی (ع) در قتل عمرو بن عبدود است که زبیر بن عوام جدی بر ترویج این گزاره دارند.^{۱۰۰}

۱۲. **افک نمونه ای آشکار از تلاش امویان در تخریب روابط علی (ع) با عایشه:** از نگاه محقق عاملی امویان با تحریف

۹۴. همان، ج ۲، ص ۱۶۵.

۹۵. همان، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۹۶. همان، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۵۶ و ص ۱۵۶-۱۶۴.

۹۷. همان، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۶۳.

۹۸. تفصیل این نقدها را بنگرید: همان، ج ۲، ص ۲۹۹-۳۰۲.

۹۹. همان، ج ۴، ص ۹۱.

۱۰۰. همان، ج ۴، ص ۱۵۴-۱۵۵.

و نقش تراشی برای علی (ع) در داستان افک افزون برجسارت به ساحت علی (ع) به دنبال این مهم هستند که ریشه و علت روابط سرد عایشه با علی (ع) بعد از رحلت رسول خدا (ص) را به داستان افک پیوند بزنند.^{۱۱}

نواصب و خوارج

۱. نواصب و انکار صحت سد الأبواب: محقق عاملی در جستار «النواصب و حدیث سد الأبواب» انکار صحت این حدیث از سوی جریان ناصبیان را با تواتر و تعدد طریق نقل آن از سی صحابی و گزارش آن در جوامع حدیثی اهل سنت در تعارض آشکار می‌داند. اعتبار و صحت صدوری این حدیث تا حدی است که در صورت انکار آن، به طریق اولی اعتماد به صحت دیگر روایات موجود در جوامع حدیثی اهل سنت از بین خواهد رفت. از این رو محقق عاملی انکار صحت این حدیث را فقط به نواصب نسبت داده و سایر محدثان اهل سنت را از آنان تفکیک کرده است.^{۱۲}

۲. خوارج و انکار قتل عمرو بن عبدود به دست علی (ع): محقق عاملی با استناد به نصوص تاریخی و اعترافات مشایخ خوارج تصریح دارد که خوارج آرمان و آرزوهای خود را در قالب احادیث مجعول ترویج می‌دادند. وی در مقام مثال به رمزگشایی از اهتمام حاکم نیشابوری در بیان تواتر و استقصای طریق روایت معتبر قتل عمرو بن عبدود به دست علی (ع) می‌پردازد. بر پایه گزارش موجود از حاکم نیشابوری دلیل این اقدام وی این پاسخ استوار به ادعای خوارج بود که قائل بودند محمد بن مسلمه نیز ضربه‌ای بر عمرو بن عبدود زد و بخشی از زره و لباسش را از جسدش خارج کرد. این ادعای خوارج هر چند همسوبا آرمان‌های خیالی آنان است، در تناقض آشکار با روایات متواتر و معتبری است که بر پایه آنها عمرو بن عبدود فقط با ضربه شمشیر علی (ع) به هلاکت رسید و زره از تن وی نیز خارج نشد.^{۱۳} همچنین برای محقق عاملی شگفت‌آور است که چگونه بخاری و سجستانی از این خوارج حدیث نقل می‌کنند و از جمله راویان امین و معتمد می‌دانند؟^{۱۴}

یهودیان

در داستان مبارزه امام علی (ع) با سرداران یهود بنی قریظه برخی از سیره‌نگاران با گزارش اشعار یهودیان تلاش دارند که شجاعت و قدرت علی (ع) را در به هلاکت رساندن سرداران نظامی یهود تضعیف کنند. محقق عاملی با تردید در اعتبار این گزارش‌ها تصریح دارد که این رویکرد یکی از شیوه‌های تحریف حقیقت و مشوش کردن تاریخ صحیح است که یهودیان در آن نقش آفرین هستند.^{۱۵}

گفتار دوم: کارکرد نقد

کار بست اصول نقد در الصحیح من سیره الامام علی (ع) کارکردهای متنوع متن‌شناسانه، کلامی و نوآورانه برای محقق عاملی در سیره‌نگاری علی (ع) به ارمغان آورده است. در این جستار مهم‌ترین این کارکردها را با ارائه نمونه‌های تحلیل می‌کنیم.

۱. پیرایش نصوص

توجه به تناقض متون و راهیابی وضع و جعل در گزارش‌ها برای تحریف متن معیار و صحیح از وقایع تاریخی سیره علوی از جمله قواعد محقق عاملی در نقد نصوص تاریخی است که وی را در دستیابی به متن صحیح و معیار توانا کرده است. در مواردی محقق عاملی به موضوع بودن حدیث تصریح و دلایل موضوع بودن آن را تبیین می‌کند^{۱۶} و

۱۰۱. همان، ج ۴، ص ۱۸۵-۱۹۱.

۱۰۲. همان، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۷.

۱۰۳. همان، ج ۴، ص ۹۴-۹۶.

۱۰۴. همان، ج ۴، ص ۹۶.

۱۰۵. همان، ج ۴، ص ۱۵۰.

۱۰۶. همان، ج ۴، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ ج ۵، ص ۱۶؛ ج ۵، ص ۱۶-۱۷؛ ج ۶، ص ۷۲، ص ۶۵.

دست تحریف را از آستین جریان های فضیلت ستیز بیرون می کشد.^{۱۰۷} گاه تردید خود را درباره صحت مضمون یک روایت اظهار مستدل بیان کرده^{۱۰۸} و تعارضات تاریخی آن را نشان می دهد.^{۱۰۹} گاهی با بیان روایت صریح به تصحیح روایت آمیخته به افزوده ها و مطالب راویان می پردازد و تلاش می کند همچنان اصل روایت نخست را در بوته صحت نگاه دارد،^{۱۱۰} اما در غیر این صورت با بیان وجوه اختلاف گزارش ها با یکدیگر به ترجیح روایت معتبر از نظر خویش می پردازد.^{۱۱۱}

در داستان افک و نقش علی (ع) در این ماجرا، محقق عاملی بعد از گزارش متون این واقعه، پنج وجه تناقض درون متنی و تناقض تاریخی آنها را برنموده^{۱۱۲} و اثبات می کند جریان تلاش دارد علی (ع) در تقابل و تضادی آشکار با عایشه نشان دهد؛ به گونه ای که یکی از دلایل دشمنی پایدار عایشه با وی ماجرای افک است. از نگاه محقق عاملی این گزارش ها نادرست، باطل و برساخت جریان بنی امیه است تا دشمنی عایشه با علی (ع) را با استناد به این واقعه موجه کند.^{۱۱۳} هر چند که این روایات در آثار عالمان شیعی نیز راه یافته باشد نادرست است.^{۱۱۴}

نمونه دیگر نشان دادن تطهیر دامن عبدالله ابن ابی در واقعه افک حتی در نسخه های صحیح بخاری است که تغییراتی در آن داده اند و در مقابل جرم وی را به علی (ع) نسبت داده اند.^{۱۱۵} توضیح اینکه بر پایه منابع کهن و معتبر روایی اهل سنت عایشه، عبدالله ابن ابی را به دلیل اتهام وی در داستان افک گناهکار می دانست و عایشه درباره وی می گفت: «کان مسئیا فی امری». این متن در صحیح بخاری نیز آمده است، ولی برخی از تاریخ نگاران این جمله را به «کان مُسْلِماً فی امری» تغییر دادند.^{۱۱۶} این در حالی است که عایشه جمله «کان مُسْلِماً فی امری» را در پاسخ به شایعات و تأکید بر بی گناهی علی (ع) در ماجرای افک گفته بود. ابن حجر عسقلانی ضمن توجه به نکته اخیر تذکر می دهد که این تغییر و تحریف از سوی اسامه و ناصبیان صورت گرفته است.^{۱۱۷}

بخشی از رویکرد محقق عاملی در پیرایش متون به دقت نظرهای ایشان در تصحیح و نقد متن وی برمی گردد. برای نمونه در مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب هنگام گزارش مبارزه علی (ع) با سپاه بنی قریظه چنین آمده است:

هوالذی ضرب فی بنی قریظة أعناق الیهود، مثل حیی بن أخطب، وکعب بن الأشرف.^{۱۱۸}

محقق عاملی در نقد این متن می نویسد:

صحیح کعب بن اسد است؛ زیرا کعب بن اشرف پیش تر از این جنگ کشته شده بود و ضمن اینکه وی از بنی نضیر بود، نه از بنی قریظه. مگر اینکه بگوییم مقصود متن چنین است که کعب بن اشرف را نیز علی (ع) به هلاکت رساند، ولی اهل تزویر این واقعیت تاریخی را تحریف کردند و قتل

۱۰۷. همان، ج ۲، ص ۱۰-۱۱.

۱۰۸. همان، ج ۵، ص ۳۲۰-۳۲۹، ص ۲۲-۲۳ و ص ۲۷۸-۲۷۹؛ ج ۶، ص ۲۳۹-۲۴۳.

۱۰۹. همان، ج ۵، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ ج ۶، ص ۵۷.

۱۱۰. همان، ج ۵، ص ۳۱۷، ص ۶۵؛ ج ۶، ص ۵۶.

۱۱۱. برای نمونه در روایات سریره ذات السلاسل به شانزده وجه اختلاف اشاره کرده و بعد از ارائه فرضیه های متعدد در جمع این اختلاف به ترجیح یک گزارش پرداخته است. (همان، ج ۵، ص ۱۱۹-۱۳۲)

۱۱۲. همان، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۱۱۳. همان، ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۱۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۸۱.

۱۱۵. همان، ج ۴، ص ۱۹۰.

۱۱۶. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۱۷. وکان بعض من لا خیر فیہ من الناصبة تقرب إلى بنی أمیة بهذه الکذبة فحرفوا قول عائشة إلى غیر وجهه لعلمهم بانحرافهم عن علی فظنوا صحتها حتی بین الزهري للولید أن الحق خلاف ذلك فجزاه الله تعالی خیرا وقد جاء عن الزهري أن هشام بن عبد الملك كان يعتقد ذلك أيضا فأخرج یعقوب بن شیبة فی مسنده ... (ابن حجر، فتح الباری، ج ۷، ص ۳۳۷)

۱۱۸. مناقب آل ابی طالب، طبع دار الاضواء، ج ۲، ص ۹۷ و طبع المكتبة الحیدریة، ج ۱، ص ۳۵۵؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۳۸۲؛ بحار الاثوار، ج ۴۱، ص ۶۷.

وی را از روی کینه و حسادت به غیر علی (ع) نسبت دادند تا شجاعت علی (ع) را کتمان نمایند.^{۱۱۹}

نمونه دیگر، تصحیح روایت شیخ صدوق در کتاب الخصال در گزارش مبارزه امام علی (ع) با عمرو بن عبدود در جنگ خندق از زبان علی (ع) است:

... فأنهضني إليه رسول الله (صلى الله عليه وآله)، وعممني بیده، وأعطاني سيفه هذا. وضرب بیده إلى ذی الفقار. فخرجت إليه ونساء أهل المدينة بواك إشفاقاً علی من ابن عبدود، فقتله الله عزوجل بیدی، والعرب لا تعد لها فارساً غیره.^{۱۲۰}

محقق عاملی در تصحیح انتقادی جمله «ونساء أهل المدينة بواك» می نویسد:

در اعتبار این جمله تردید دارم؛ زیرا زنان مدینه در این مکان حاضر نبودند، مگر اینکه مقصود زنانی باشد که همراه همسران خودشان در این جنگ حاضر بودند و این عادت جاری در جنگ ها بود.^{۱۲۱}

محقق عاملی این نکته را از مقایسه متون گزارشگر این بخش از واقعه تفتن یافته است و نقل به معنای رخ داده در متون را به خوبی نشان می دهد تا از ذهن خواننده ابهام محتمل را برطرف کند. همچنین محقق عاملی گزارش «... وتبادر المسلمون یکبرون، فوجدوه علی فرسه برجل واحدة، یحارب علیاً (علیه السلام) ورمی رجله نحو علی، فخاف من هیبتها رجالان، ووقعا فی الخندق» به نقل از مناقب ابن شهر آشوب را با سایر گزارش ها ناهمسومی خواند؛ زیرا بر پایه گزارش های اخیر امام علی (ع)، عمرو بن عبدود را مجبور به پیاده شدن از اسبش کرد و سپس با یک ضربه هر دو پای وی را قطع کرد. در نتیجه این گزارش نادرست و نامعتبر است.^{۱۲۲} روشن است که راوی به قصد اغراق در شجاعت عمرو بن عبدود در متن اصلی تصرف کرده است، ولی به لوازم باطل ادعای خویش توجه نکرده است؛ از جمله اینکه عمرو بن عبدود چگونه در حالت سواره پای مقطوع و افتاده شده خود بر روی زمین را برداشت و به سوی علی (ع) پرتاب کرد؟ نقد صریح محقق عاملی در صحت نداشتن این گزارش از واقعیت گرایان و اسطوره زدایی وی از متون به عنوان اصلی مهم در اعتبارسنجی نصوص سیره حکایت دارد؛ حتی اگر این گزارش در منابع امامیه و با رویکرد فضایل و مناقب نگاری نیز گزارش شده باشد. نمونه های دیگر از نقد متون و نشان دادن معیار و عاری از تعارض در این اثر فراوان است.^{۱۲۳}

۲. دفاع از فضایل علی (ع)

دفاع از فضایل امام علی (ع) و تبیین از زمینه های تاریخی و مستندات روایی و قرآنی این فضایل به منظور نشان دادن شخصیت محوری و اساسی علی (ع)^{۱۲۴} از بعثت تا رحلت رسول خدا (ص) از دیگر کارکردهای نقد در کتاب محقق عاملی است. از این رو کتاب الصحيح من سيرة الامام علی (ع) اثری با رویکرد فضایل نگاری استنادی. تحلیلی علی (ع) نیز هست. وی بعد از تتبع جامع و روشمند در منابع با کاربست اصول نقد تلاش دارد که مستندات از اعتبار و اصالت برخوردار باشند؛ لذا اصل استناد و اعتبار نصوص وی در گزارش فضایل از نوعی دقت توأم با نقد همراه است. در گام دوم فضایل امام علی (ع) را در بافت حوادث و در پرتو عملکرد برتر امام به تحلیل می نشاند تا چرایی و چند و چون اعطای فضایل به امام برای خواننده روشن شود.

یکی از جلوه های نقد سلبی محقق عاملی در الصحيح من سيرة الامام علی (ع) نمایان کردن تلاش گسترده اقدامات مورخان وابسته به جریان سقیفه برای شریک سازی خلیفه اول و دوم در فضایل امام علی (ع) است. تعارض صدیق

۱۱۹. همان، ج ۴، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۱۲۰. الخصال، ج ۲، ص ۳۶۸.

۱۲۱. همان، ج ۴، ص ۳۷.

۱۲۲. ... ونقول: «إن هذا لا یصح لما یلی...». (همان، ج ۴، ص ۷۱-۷۴)

۱۲۳. همان، ج ۴، ص ۷۸-۷۹ و ص ۱۴۴.

۱۲۴. همان، ج ۴، ص ۱۴۵.

اکبر خواندن خلیفه اول با روایات معتبر،^{۱۲۵} نقد تحلیل اسکافی در قیاس حال خلیفه اول در نماز به مجاهدت های امام علی (ع) در شعب ابی طالب،^{۱۲۶} تنافی و تضاد در گزارش اقدام شجاعانه و مسلحانه خلیفه دوم در هجرت شبانه از مکه به مدینه در مقابل دیدگان مشرکان و تهدید آن به مرگ^{۱۲۷} از این جمله است.

همچنین محقق عاملی دست پنهان جریان وضع و جعل در تحریف زمینه های صدور فضایل خاص و برجسته امام علی (ع) را می نمایاند. برای نمونه وی در جستار «أثرابیة... وعصبیة؟!» به ارزیابی اسباب صدور ساختگی حدیث نبوی «... قم یا ابا تراب...» را به تیغ نقد می سپارد. وی در نقدهای ده گانه خود بر این اسباب صدور به تعارض و تنافی آنها با اخلاق رسول خدا (ص)،^{۱۲۸} بطلان پنداره غضبناکی امام علی (ع) بر فاطمه و ترک منزل^{۱۲۹} با استناد به تقوا و طهارت باطنی آن دو بزرگوار،^{۱۳۰} نص صریح امام علی (ع) در رد این پنداره و نامعقول بودن خاک بر سر نهادن از سوی افراد عادی و تشبه به حال کودکان^{۱۳۱} استدلال می کند و در نهایت به تقریر سبب صدور صحیح و حکمت اعطای این لقب از سوی رسول خدا (ص) به امام علی (ع) می پردازد.^{۱۳۲} همچنین به نقد انگاره قتل مرحب به وسیله محمد بن مسلمه،^{۱۳۳} پاسخ به تردیدها در قلع باب خیبر به دست علی (ع)^{۱۳۴} و انکار حدیث رد الشمس برای علی (ع) در واقعه جنگ خیبر می پردازد.^{۱۳۵}

اثبات و دفاع از اختصاص صاحب الرأیة بودن امام علی (ع) در تمامی غزوات ایشان از دیگر جلوه های نقد سلبی در کتاب الصحیح من سیرة الامام علی (ع) است. زبیریان، امویان و دیگران تلاش گسترده کردند تا این فضیلت اختصاصی امام علی (ع) را مخدوش کنند و برای دیگران نیز سهمی در این مقام تراشیده اند. از مطالعه کتاب الصحیح من سیرة الامام علی (ع) این مهم مشهود است که دفاع از این مقام امام علی (ع) در غزوات رسول خدا (ص) از جمله دغدغه های جدی ایشان است و در گزارش نصوص تمامی غزوات و سریه ها اعم از جنگ بدر، جنگ احد^{۱۳۶} و غیر آن^{۱۳۷} به این مهم توجه دارد و به تحریفات جریان های فضیلت ستیز در اختصاص این فضیلت به علی (ع) پاسخ می دهد.

همچنین جریان ستیز با فضایل علی (ع) تلاش دارد که عمرو بن عبدود را هنگام مبارزه با علی (ع) پیرمردی فزونی (نودساله) و علی (ع) را جوانی نارس و صفت کند: «فأنت غلام حدث، إنما أردت شیخی قریش: أبا بکر و عمر». محقق عاملی نقدهای ذیل را بر این متن وارد می داند:

۱. این گزارش خلاف واقعیت تاریخی است؛ زیرا امام علی (ع) در این واقعه نزدیک به سی سال دارد و مردی کامل است.

۱۲۵. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۱۲۶. همان، ج ۲، ص ۷۶.

۱۲۷. وی در نقد این پنداره با تعبیر «ان أصل هذه المرعومة مكذوب عليه... أو مصنوع له، إن أردنا أن نتوخى الدقة في التعبير... والشواهد على ذلك كثيرة...» اصالت آن را با استناد به ویژگی های شخصیتی و روان شناسختی خلیفه دوم در تسامح و خوف وی هنگام برخورد با مشرکان مکه، اختفای وی در خانه اش هنگام اسلام آوردنش از ترس مشرکان، گرایش به صلح و جنگ نکردن با مشرکان به عنوان هسته اصلی توصیه های وی در جنگ های مختلف با چالش جدی روبرو می کند و در نهایت تصریح دارد که این فضیلت امام علی (ع) از نسخه اصلی آن برای خلیفه دوم جعل شده است. (همان، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۰۱)

۱۲۸. «فإن هذا لا يمكن أن يصح، لأنه يناهض أخلاق رسول الله (صلى الله عليه وآله)... فلا بد من طرح هذه الفقرة من الرواية. أو القول بحصول تصحيف فيها». (همان، ج ۲، ص ۲۴۴)

۱۲۹. كما لا ريب في بطلان ما يزعمه أهل الباطل، من أنه (عليه والسلام) سمي بأبي تراب، لأنه كان إذا غاضب فاطمة وضع التراب على رأسه، فإذا رآه النبي (صلى الله عليه وآله) عرف ذلك، وخطبه بهذا الخطاب. (همان، ج ۲، ص ۲۴۴)

۱۳۰. همان، ج ۲، ص ۲۴۶.

۱۳۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۱۳۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۱۳۳. همان، ج ۵، ص ۳۱-۳۹.

۱۳۴. همان، ج ۵، ص ۴۲-۷۵.

۱۳۵. همان، ج ۵، ص ۹۰-۱۰۸.

۱۳۶. همان، ج ۳، ص ۱۳۹-۱۵۶.

۱۳۷. بنگرید: همان، ج ۴، ص ۲۰-۲۱ (جنگ خندق)، ص ۱۳۰، (بنی قریظه)، ص ۱۶۹-۱۷۲ (مریسع)، ص ۲۵۴ (خیبر و فدک)؛ ج ۵، ص ۸۲-۹۰ (فدک)، ص ۲۵۵-۲۵۷ (فتح مکه)؛ ج ۶، ص ۳۵ (جنگ حنین).

۲. در سن عمرو بن عبدود اغراق شده است تا به هلاکت رساندن وی به دست علی (ع) چندان فضیلتی نباشد و اگر به واقع وی در چنین شرایط سنی و فرتوتی بود؛ چرا دیگر صحابه از هم‌اوردی با وی ترسان و لرزان بودند؟

۳. تعبیر «غلام حدث» در گزارش واقدی از زبان عمرو بن عبدود در تعارض با سایر گزارش‌هایی است که وی فقط به جوان بودن علی (ع) اکتفا کرده است: «إذن تتحدث نساء قریش أن غلاماً خدعنی» و افزودن «نورس بودن جوانی» در گزارش واقدی و دیگران به قصد تنقیص علی (ع) و تحریف گزارش معیار است.

۴. ابوبکر و عمر چه در روز جنگ خندق و چه پیش و پس از آن بزرگ قریش نبودند. حال چرا در این گزارش این ویژگی برای آن بیان شده است؟^{۱۳۸}

۳. پاسخ به شبهات

برآیند غلبه رویکرد نقد سلبی در الصحيح من سيرة الامام علی (ع) کارآمدی این اثر در شناخت و پاسخ به شبهات سیره علی (ع) است. تقریباً در تمامی فصول این مجموعه دغدغه پاسخ به شبهات موجود و حتی شبهات محتمل مشهود است. برای نمونه وی در بخش میلاد علی (ع)، به شبهه سجده امام علی (ع) مقابل بتان داخل کعبه،^{۱۳۹} شبهه تولد امام علی (ع) در پشت پرده‌های کعبه،^{۱۴۰} شبهه در اعتبار حدیث شق الجدار و ادله مستفیض بودن آن،^{۱۴۱} شبهه تولد حکیم بن حزام در داخل کعبه،^{۱۴۲} شبهه قرآن خواندن علی (ع) (آیات آغازین سوره مؤمنون) بعد از تولد^{۱۴۳} پاسخ داده است. در شبهه اخیر رویکرد جدلی. کلامی وی در دفاع از فضایل و مناقب امام کاملاً هویداست و تلاش دارد با استفاده از آیات قرآن و نظیرسازی شبهه امتناع و محال بودن تکلم امام بعد از تولد را دفع کند. همچنین با استناد به نظریه نبوت رسول خدا (ص) از بدو تولد و نزول دفعی قرآن پیش از بعثت برایشان و اشتقاق نور امام از وجود نوری رسول خدا (ص) شبهه قرائت آیات نخستین سوره مؤمنون را برطرف کند. رویکرد جدلی. کلامی محقق عاملی را از اعتبارسنجی و اصالت برخی از این متون دور کرده است. در بخش ازدواج و فرزندان علی (ع) به شبهه تأیید نشدن خلافت ابوبکر در داستان ازدواج با خوله مادر محمد بن حنفیه^{۱۴۴} و شبهه افضلیت فاطمه و توجیه تزویج علی (ع) در دوران حیات فاطمه (س) اهتمام جدی دارد.^{۱۴۵} در بخش اسلام آوردن علی (ع) از نخستین بودن وی در ایمان به نبوت رسول خدا (ص) دفاع و پنداره اولین بودن ابوبکر را نقد کرده و رگه‌های وضع و جعل در آن را با استناد تواتر نصوص و اجماع در این مسئله نشان می‌دهد.^{۱۴۶}

در این میان محقق عاملی به شبهه افکنی ابن تیمیه توجه خاصی دارد و همواره پنداره فضیلت سستی وی از علی (ع) را رصد و به شبهات سست وی پاسخ می‌دهد. برای نمونه محقق عاملی در جستار «تمحلات و تعصبات ابن تیمیه» به نقد ادعای انکار صحت حدیث «ضربة علی أفضل من عبادة الثقلین» از سوی ابن تیمیه می‌پردازد. از نگاه ابن تیمیه این حدیث فاقد سند صحیح و از جمله احادیث موضوع است؛ زیرا در کتاب‌های معتبر حدیثی گزارش نشده است. همچنین در نگاه ابن تیمیه برتر بودن قتل یک کافر از عبادت تمام جن و انس که پیامبران نیز داخل در گروه اخیر هستند، معقول نیست. از نگاه محقق عاملی گزارش نشدن این روایت در صحاح اهل سنت ریشه در تعصب آنان علیه علی (ع) و اهل بیت دارد و بسیار احادیث صحیح و متواتری هستند که در صحاح سته

۱۳۸. همان، ج ۴، ص ۶۰-۶۴.
 ۱۳۹. همان، ج ۴، ص ۳۰-۵۰.
 ۱۴۰. همان، ج ۱، ص ۸۳-۸۷.
 ۱۴۱. همان، ج ۱، ص ۸۷-۹۰.
 ۱۴۲. همان، ج ۱، ص ۹۷-۱۰۱.
 ۱۴۳. همان، ج ۱، ص ۹۰-۹۷.
 ۱۴۴. همان، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۱۲.
 ۱۴۵. همان، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۶۴.
 ۱۴۶. همان، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۴۵.

گزارش نشده‌اند. اشکال فقدان سند یا ضعف سند نیز با روایت صحیح‌السند مستدرک حاکم نقض می‌شود که از بهزین حکیم روایت شده است و ابوداود سجستانی نیز روایت وی را از جمله صحاح می‌داند. استبعاد ابن تیمیه نیز باطل است؛ زیرا قتل عمرو بن عبدود موجب نصرت دین و خذلان جبهه کفر شد و این در شرایطی بود که جنگاوری عمرو بن عبدود، ترس و لرزه براندام خیلی از افراد ضعیف از تازه‌مسلمانان انداخته بود و شکست علی (ع) از وی در نبرد مساوی با شکست جبهه اسلام بود. محقق عاملی از یکسویه تشریح جزئیات و شرایط سخت مسلمانان و یاران رسول خدا (ص) می‌پردازد و از سوی دیگر به امیدواری و سرمایه‌گذاری جریان یهود بر پیروزی عمرو بن عبدود اشاره دارد تا اهمیت کشته شدن وی به دست علی (ع) و جایگاه آن را در این شرایط حساس و تاریخی را نشان دهد و زمینه استبعاد امثال ابن تیمیه و ذهبی را ابطال کند.^{۱۴۷} همچنین محقق عاملی به نقد انکار سند حدیث انذار به وسیله ابن تیمیه پرداخته است.^{۱۴۸} وی پیش‌تر با استناد به نقل طبری در تاریخ الملوک وی حدیث انذار را گزارش می‌کند، سپس به تحریف طبری در بخش پایانی روایت اشاره دارد که ابن کثیر نیز رویه طبری را ادامه می‌دهد و در دوره معاصر نیز همین رویه از سوی برخی از نویسندگان به دلیل مطامع دنیوی در برخی از چاپ‌ها دنبال شد. محقق عاملی تلاش دارد که نشان دهد جریان تردید و انکار در فضایل و مناقب امام ریشه تاریخی دارد.^{۱۴۹}

از سایر نمونه‌ها می‌توان به پاسخ‌های استدلالی محقق عاملی به شبهه عدم اقدام فوری دستور رسول خدا (ص) در اجرای حد برزن مستحاضه،^{۱۵۰} شبهه فرار علی (ع) از جنگ،^{۱۵۱} شبهه «إخافة الناس بالمزاح لا تجوز» در داستان قطع لسان ابن مرداس،^{۱۵۲} شبهه کم سن و سال بودن علی (ع) هنگام اعزام وی به عنوان قاضی برای یمن^{۱۵۳} و ناراضی بودن وی از قضاوت در یمن،^{۱۵۴} پاسخ به شبهه گستره علم علی (ع) از گذشته و آینده^{۱۵۵} و ... اشاره کرد.

۴. نوآوری

رویکرد نقد ایجابی محقق عاملی در بررسی نصوص و منابع، نویافته‌های از سیره‌نگاری امام علی (ع) را به ارمغان آورده است که در تأملات وی در کشف دلالت‌های پنهان نصوص و شناخت جریان‌های سیره‌نگاری ریشه دارد. از نگاه محقق عاملی علی (ع) در فراگیری خواندن و نوشتن مشمول عنایت الهی بود. توضیح اینکه بر پایه نصوص تاریخی و روایات معتبر امام علی (ع) با وجود خردسال بودن از جمله هفده نفری است که هنگام بعثت رسول خدا (ص) در مکه خواندن و نوشتن می‌دانست، اما گزارش‌های موجود به معلم امام علی (ع) در آموزش کتابت و قرائت به ایشان اشاره ندارند با اینکه زمینه برای توجه دادن و گزارش این مهم در میان سیره‌نگاران وجود داشت تا جریان رقیب از امام علی (ع) برای این دانش اندوزی نزد استادش اعتراف بگیرد. این مهم نشان می‌دهد که علی (ع) همانند پیامبران اولیای الهی در یادگیری خواندن و نوشتن مشمول لطف و عنایت خاص خداوند بود.^{۱۵۶}

علی (ع) ابراهیم زمان در شکستن بت‌های مکه در دوره خفقان بود. محقق عاملی از دقت نظر در نصوص دوره پیش از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه بر این یافته تأکید دارد که با وجود فضای خفقان و خوف عهد مکه، امام علی (ع) به دستور رسول خدا (ص) و با همیاری ایشان پیش از فتح مکه نیز شبانه بتان کعبه را واژگون کرد،^{۱۵۷} اما قول مشهور این است که شکستن بتان در روز فتح مکه رخ داده است. از نگاه محقق عاملی این دو گزارش با یکدیگر

۱۴۷. بنگرید: همان، ج ۴، ص ۸۴-۹۰.

۱۴۸. همان، ج ۲، ص ۱۱-۳۳.

۱۴۹. همان، ج ۲، ص ۱۰-۱۱.

۱۵۰. همان، ج ۵، ص ۲۰۱.

۱۵۱. همان، ج ۶، ص ۵۲.

۱۵۲. همان، ج ۶، ص ۶۵-۶۷.

۱۵۳. همان، ج ۶، ص ۲۲۲-۲۲۴.

۱۵۴. همان، ج ۶، ص ۲۲۹.

۱۵۵. همان، ج ۶، ص ۳۰۰-۳۰۵.

۱۵۶. همان، ج ۲، ص ۴۳-۴۴.

۱۵۷. همان، ج ۲، ص ۶۱.

تعارض ندارند؛ زیرا افزون بر اختلاف در زمان، موضوع آن دو نیز متفاوت است. در اقدام نخست، بتان موجود در داخل کعبه واژگون شدند و جمله «خرجنا من الكعبة، ولم یقم بعدها صنم فی جوف الكعبة» در این روایت برای نکتته تصریح دارد. در روز فتح مکه نیز علی (ع) بتان موجود بر فراز کعبه را واژگون و خرد کرد.^{۱۵۸} محقق عاملی ضمن اشاره به حکمت و فلسفه اقدام علی (ع) به شکستن بتان داخل و بر فراز کعبه به تردیدها در تقلیل ارزش این عمل نیز پاسخ داده است.^{۱۵۹}

تحلیل عمیق معرفتی و اجتماعی از فلسفه اطلاق کنیه ابوتراب به علی (ع)، و تریب خواندن شیعیان وی،^{۱۶۰} علی همراه نبی در آغاز بعثت و نزول نخستین آیات و بطلان داستان ورقه بن نوفل،^{۱۶۱} حقیقت حب علی (ع) در سیره نبوی،^{۱۶۲} تضمین مهریه خدیجه (س) از سوی علی (ع) در کودکی با کاربست قاعده فقهی ضمان یا بیان کودکانه وی از سر عشق به رسول خدا (ص)،^{۱۶۳} و... از دیگر نمونه‌های نوآوری در الصحیح من سیره الإمام علی (ع) است.

۵. آموزه‌شناسی

محقق عاملی با کاربست نقد ایجابی در تحلیل نصوص سیره امام علی (ع)، آموزه‌های نظری و کاربردی از نصوص سیره علوی را استخراج می‌کند و با رهاسازی دلالت نصوص از تاریخمندی، به عصرسازی مقاصد سیره علی (ع) به افق زمانه و روزگار خویش می‌پردازد. در نتیجه سیره علوی در نگاه وی، کارکرد امروزین نیز برای جامعه اسلامی دارد. رویکرد کارکردگرایانه وی به سیره امام علی (ع) و تلاش برای عصرسازی آن برآیند دقت نظر و نقد ایجابی وی در تحلیل متون است که الصحیح من سیره الإمام علی (ع) را از سیره‌نگاری تاریخی محض متمایز کرده است. گاه محقق عاملی برداشت‌ها و استنباط‌های خود از نصوص را در جستاری مستقل با عنوان «وقفات مع النصوص» گزارش می‌کند که شماری از آنها آموزه‌ها و برخی دیگر نقدهای ایشان است.^{۱۶۴}

این آموزه‌ها از تنوع برخوردار است و شامل آموزه‌های فقهی، سیاسی، اعتقادی، نظامی، اخلاقی، انسان‌شناسی و... است. از آموزه‌های فقهی می‌توان به دقت نظری در واقع‌اندواج علی (ع) و فاطمه اشاره کرد که پیشینه و چند و چون حجاب زن را از آغاز هجرت چنین استنباط می‌کند. وی با استناد به پوشش چهره فاطمه (س) در مراسم عقد ازدواج با امام علی (ع) استنباط می‌کند که حجاب و پوشاندن صورت زنان از مردان نامحرم از همان سال‌های آغازین هجرت رایج بوده است.^{۱۶۵} همچنین محقق عاملی به مناسبت تحلیل نصوص نقش علی (ع) در بیعت‌گرفتن از زنان در صلح حدیبیه به دلالت این نصوص به دو آموزه مهم تأکید دارد: ۱. آموزش چگونگی اخذ بیعت از زنان با رعایت موازین شرعی بدون لمس و نزدیک شدن آنان به مردان ۲. برخورداری زنان از نقش و حقوق سیاسی و اجتماعی در جامعه نبوی و اسلامی.^{۱۶۶}

آموزه‌های نظامی مستخرج از سیره علی (ع) پربسامد و قابل توجه است. از جمله این آموزه‌ها که به عنوان اصول و استراتژی جنگ در سیره علی (ع) است، می‌توان به دو اصل ذیل اشاره کرد:

خودداری از اقدام به شروع جنگ: از اصول ثابت سیره نظامی معصومان و از جمله شعائر شیعی است. به همین دلیل

۱۵۸. همان، ج ۲، ص ۶۲-۶۳.

۱۵۹. همان، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۱۶۰. همان، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۶۳.

۱۶۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۱۶۲. همان، ج ۶، ص ۳۰.

۱۶۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۱.

۱۶۴. برای نمونه بنگرید: همان، ج ۴، ص ۲۹۴-۳۳۴.

۱۶۵. همان، ج ۳، ص ۳۷.

۱۶۶. همان، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۲۴.

سرداران شیعه علی رغم شجاعت آغازگر جنگ نبودند؛ زیرا اقدام به جنگ مصداق بغی و تجاوز است^{۱۶۷}.

زوال خورشید زمان مناسب جنگ: موضوعیت نداشتن جنگ در اندیشه علوی، حکمت انتخاب زوال خورشید به عنوان زمان مناسب جنگ از سوی امام علی (ع) است. در پرتو این اصل از زمان جنگ کاسته می شود و افراد پیشیمان در تاریکی شب فرصت مناسبی برای فرار پیدا می کنند.^{۱۶۸}

از نمونه های دیگر می توان به ضرورت رصد حرکات دشمن و لزوم مرصاد مداوم،^{۱۶۹} جواز پی کردن سواره دشمن،^{۱۷۰} ضرورت کتابت خسارت های جنگ با تمامی جزئیات،^{۱۷۱} مشارکت مستقیم سرداران در جنگ و مبارزه با دشمن،^{۱۷۲} ضرورت اخلاص در جهاد و احتراز از انتقام جویی شخصی در مبارزه با دشمن،^{۱۷۳} اهمیت و اولویت قتل صاحب لواء در جنگ و تأثیرات روانی آن در رعب آفرینی میان دشمن،^{۱۷۴} لزوم اهتمام سردار جنگ به از بین بردن نمادهای شرک و کفر،^{۱۷۵} ضرورت توجه به وجاهت خاندان در جنگ ها با توجه به اصل تکریم انسان ها در اسلام^{۱۷۶} و ... اشاره کرد.

از آموزه های انسان شناسی نیز می توان به دقت نظر محقق عاملی در تذکره نسبی و مزیت بودن ضعف جسمی زنان در واقعه هجرت فواطم از مکه به مدینه اشاره کرد. در داستان انتقال شبانه فواطم از مکه به مدینه امام علی (ع) به رفق با زنان و مدارای با آنان در حین حرکت قافله شتران تأکید دارد. محقق عاملی از این توصیه علوی چنین استنباط می کند که عموم زنان در مقایسه با مردان از لطافت و ضعف جسمانی برخوردارند و بدن آنان خشونت و تندی را متحمل نمی شود و این ویژگی نوعی مزیت برای زنان است؛ زیرا ضعف جسمی لازمه هدف اصلی از آفرینش زنان است و زنان در انجام وظیفه اصلی خودشان قوی هستند.^{۱۷۷}

دستاورد

در رویکرد محقق عاملی نقد و نقادی جایگاه برجسته ای در سیره نگاری علی (ع) دارد. این رویکرد ریشه در گفتمان نقد در فرهنگ اسلامی و متأثر از تفکر انتقادی در مطالعات جدید سیره پژوهی است که ریشه و تبار آن در آیات و روایات اسلامی و سنت اسلامی است. این روش تلفیق دو روش تاریخ تحلیلی و نقد علمی است که می توان از آن به تحلیل انتقادی نیز یاد کرد. وی از روش تاریخ تحلیلی در دو سطح تاریخ انگاره و تاریخ گذاری متون بهره برده است. نویسنده با بهره گیری از رهیافت تاریخ انگاره، زمینه ها و علل پدیداری و تطورات نصوص سیره علی (ع) در منابع غیر شیعی و تأثیر آنها بر ایدئولوژی عامه اهل سنت در مواجهه با شخصیت و فضایل علی (ع) را تحلیل کرده است. تاریخ انگاره به بررسی یک اندیشه و نظریه در قالب مفهوم. مصطلح به مثابه یک روند تاریخی از زمان پدیداری تا زمان تثبیت می پردازد و تحولات آن را بررسی، گونه شناسی و علت یابی می کند. الگوی تاریخ انگاره نه تنها به عنوان یک روش، بلکه به عنوان یک مبنای اندیشه، سیر تحول یک انگاره را با لحاظ عرف، جامعه و عقلانیت جمعی و نسبت آن به سرچشمه های تاریخی از جمله نصوص دنبال می کند.^{۱۷۸} انگاره نماینده درکی است که گروهی از

۱۶۷. همان، ج ۲، ص ۲۶۹.

۱۶۸. همان، ج ۲، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۱۶۹. همان، ج ۴، ص ۲۳-۲۵.

۱۷۰. همان، ج ۶، ص ۵۶.

۱۷۱. همان، ج ۶، ص ۱۹-۲۲.

۱۷۲. همان، ج ۶، ص ۷۷.

۱۷۳. با اقتباس از نبرد امام علی (ع) با عمرو بن عبید: همان، ج ۴، ص ۶۰-۴۷.

۱۷۴. همان، ج ۶، ص ۵۶.

۱۷۵. همان، ج ۶، ص ۱۰۴.

۱۷۶. همان، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۱۷۷. همان، ج ۲، ص ۱۹۵.

۱۷۸. گرامی، محمد هادی، نخستین اندیشه های حدیثی شیعه، «مقدمه دکتر احمد پاکتچی»، ص ۱۲.

جامعه یا جریان فکری خاص در یک بازه زمانی و مکانی مشخص از یک موضوع دارند. اجتماعی بودن، تاریخی بودن و برخوردار بودن از سه مرحله تکوین، تغییر و تثبیت مؤلفه‌های انگاره را تشکیل می‌دهند.^{۱۷۹} بنابراین شرط کاربست تاریخ‌انگاره عدم تفرد اندیشه مورد نظر، بلکه جریان‌ی بودن آن و تغییر موقعیت آن در طول تاریخ است. این رویکرد که حاصل ظهور تاریخ‌پژوهی نوین در قرن هجده میلادی است، به معنای تعیین تقریبی زمان پدیداری و رواج انگاره بر اساس قراین بیرونی و درونی است. در پرتو تعیین زمان، مکان منتشرکننده و همچنین سیر تغییرات آن از پیدایش تا تثبیت و رواج نیز نمایان خواهد شد.^{۱۸۰} کاربست رویکرد تاریخ‌انگاره‌ای در مطالعه میراث فکری پیشینیان، از نگاه بنیادگرا که به تقدس‌سازی آرای فردی می‌انجامد، اجتناب ورزیده و رویکرد تحول‌گرا و ارزش‌گذارنده به سنت‌ها و پیشینه‌ها را جایگزین آن می‌کند. تفکر اجتهادی موصوف به «تخطئه» در ادبیات سنتی فقیهان امامیه بیشترین تناسب و سازگاری با رویکرد تاریخ‌انگاره دارد که از افراط در تقدس‌سازی برای انگاره‌ها و نگره‌ها خودداری کرده و خط اعتدال میان سلفی‌گرایی و نوگرایی افراطی است، نه بسان سلفی‌گرایی است که برداشت خود از متون را اسلام ناب بیندارد و برداشت‌های دیگر را خطا بداند و نه بسان عصری‌گرایان است که برای جبران نقیصه‌های خود به عناصر فرامتنی چون عقل و عرف رجوع می‌کنند و ضروری نمی‌دانند که برای نگرش عصری خود سابقه‌ای در سنت پیشین اسلامی بجویند.^{۱۸۱} روشن است که این رویکرد در ساحت نگره‌ها و نظریه‌های دینی رصدپذیر است و ساحت نصوص و متون اصیل دینی از گردونه نقد و سنجش خارج هستند، مگر اینکه روشن شود انگاره‌ها در پدیداری بخشی از نصوص نقش‌آفرین بودند. از اصول و کارکردهای نقد روشن شد که محقق عاملی به خوبی از تاریخ تحلیلی در سیره‌نگاری بهره‌مند است.

وی از تاریخ‌گذاری متون^{۱۸۲} نیز در تحلیل اسناد و متن نصوص سیره علی (ع) استفاده می‌کند. بر پایه این رهیافت از داده‌های موجود در سند و متن احادیث در کشف زمان تقریبی شکل‌گیری انگاره‌ها و ایدئولوژی‌های مبتنی بر نصوص تاریخی استفاده کرده است. امروز از این روش در نقد تاریخی احادیث و تبیین زمینه‌های صدور و تمییز احادیث موضوع استفاده می‌شود و پژوهش‌های متعددی بر پایه آن انجام شده است. تبیین فرایند تاریخی شکل‌گیری جریان‌های فکری و سیاسی در پدیداری نصوص مخالف با سیره اصیل و معیار علی (ع) از انگاره تا گفتمان (ایده تا اجماع) و اعتبارسنجی مستندات آنها به محقق عاملی کمک کرده است تا دلیل غفلت و خطای برخی از سیره‌نگاران سرشناس را بازنمایی کند و حتی برای رفع آن پیشنهادهایی برای چاره‌جویی ارائه کند. کاربست تاریخ تحلیلی سویه نخست تفکر انتقادی و نقد علمی است که به واقع با نگاه تحلیلی و اجتهادی به بازیابی دقیق جریان‌های مؤثر در سیره‌نگاری و زمینه‌های شکل‌گیری آنها پرداخته است. سویه دیگر آن ارزیابی محتوایی داده‌ها و نظریه‌هاست که محقق عاملی بر پایه قرآن و عقلانیت و حیانی و مبتنی بر اصول علمی و اخلاق نقد به این مهم اهتمام ورزیده است. سیره‌نگاری محقق عاملی نمونه‌ای روشن از «سنت نقد، تصحیح و تکمیل» در سیره‌نگاری امامیه معاصر است که ضمن تأکید بر تکریم میراث و عالمان پیشین و معاصر، به نقد علمی و پرهیز از تقدس‌سازی و هم‌گرایی غیرعالمانه با نصوص و نظریه‌ها اصرار دارد.

۱۷۹. بنگرید: گرامی، محمدهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای؛ تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶، ش. ۲۹-۳۲.

۱۸۰. گرامی، محمدهادی، نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه، «مقدمه دکتر احمد پاکتچی»، ص ۱۲.

۱۸۱. همان، ص ۱۲.

۱۸۲. آقایی، سیدعلی (به کوشش و ویرایش)، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها.

کتابنامه

۱. ابن دمشق؛ جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی (ع)؛ تحقیق: محمدباقر محمودی؛ مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، قم، ۱۴۱۶ق.
۲. اسفندیاری، محمد؛ «درک کردن و رد کردن»؛ آینه پژوهش، شماره اول، سال پنجم.
۳. اسلامی، حسن، «اخلاق نقد و فرهنگ نقادی»، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۲۳ و ۲۴، دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۴ش.
۴. —؛ «جایگاه گوینده در اعتبار گفتار از دیدگاه احادیث»؛ حدیث پژوهی؛ شماره اول، کاشان، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۸ش.
۵. آقایی، سیدعلی (به کوشش و ویرایش)؛ تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها؛ انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۹۴ش.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۱م.
۷. برقی، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ تحقیق: سیدجلال‌الدین حسینی؛ دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، بی‌جا.
۸. جارالله، عبدالسلام بن صالح؛ نقد الصحابة و التابعین للتفسیر: دراسة نظرية تطبيقية؛ دارالتدمرية، ۲۰۰۸م ریاض.
۹. حر عاملی؛ تفصیل وسائل الشیعة؛ تحقیق: موسسه آل البيت لاحیاء التراث؛ چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ قمری.
۱۰. خصبی، حسین بن حمدان؛ الهدایة الکبری؛ تحقیق: شوقی امین الحداد؛ دار زین العابدین، ۲۰۱۹م.
۱۱. —؛ الهدایة الکبری؛ چاپ: الرابعة، مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، ۱۹۹۱م.
۱۲. خندان، علی اصغر؛ مغالطات؛ بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ش.
۱۳. داداش‌نژاد، منصور؛ قرآن و سیره نویسان؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
۱۴. عاملی، سیدجعفر مرتضی؛ دراسات و بحوث فی التاريخ و الاسلام؛ مرکز جواد للصف والطباعة والنشر والتوزيع - بیروت - لبنان، ۱۹۹۳م.
۱۵. دلاور، علی؛ مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رشد، تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۶. سروش، عبدالکریم؛ دگماتسیم نقاب‌دار یا ایدئولوژی شیطانی؛ نشر یاران، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۷. شایان مهر، علیرضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی؛ نشر کیان، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸. شریعتمداری، علی؛ نقد و خلاقیت در تفکر؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۹. شریفی، احمدحسین؛ اخلاق کاربردی؛ نشر معارف، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۰. عاملی، سیدجعفر مرتضی؛ الصحیح من سیرة الإمام علی (ع)؛ ولاء المنتظر (عج)؛ قم، ۱۴۳۰ق.
۲۱. طالقانی، سیدحسن؛ شیخ صدوق؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۴ش.
۲۲. عمجی، سعد بن ثقل؛ حجة فهم السلف: النظرية و التطبيق؛ دار مدارک للنشر، ریاض، ۲۰۱۸م.
۲۳. عسگری، مرتضی؛ تشیع و جایگاه سنت؛ کیهان فرهنگی، شماره ۱۸۱، آبان ۱۳۸۰ش.
۲۴. عمیدی، نامر؛ واقع‌تقیة عند المذاهب و الفرق الإسلامية من غیر الشیعة الإمامیة؛ دارالرسالة، قم، ۱۴۲۶ق.
۲۵. فدایی، غلامرضا؛ «نقد معیار و معیار نقد»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفدهم، شماره ۷، دی ۱۳۹۶ش.
۲۶. فرجامی، اعظم؛ تأثیر زیدیه بر حدیث امامیه؛ پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ۱۳۹۴ش.
۲۷. قراملکی، احد فرامرز؛ روش‌شناسی مطالعات دینی؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵ش.
۲۸. قرضای، یوسف؛ کیف تعامل مع التراث و التمدھب و الاختلاف؛ مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۲۲ق.
۲۹. کلانتری، علی‌اکبر؛ اخلاق کاربردی؛ نشر معارف، قم، ۱۳۸۵ش.
۳۰. گرامی، محمدهادی؛ مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای؛ تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ش.
۳۱. —؛ نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه؛ مقدمه: دکتر احمد پاکتچی؛ تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶ش.
۳۲. لوزبیر، هنری؛ صناعة السلفیة: الاصلاح الاسلامی فی القرن العشرين؛ ترجمه: اسامه عباس و عمرو بسیونی؛ ابن‌الندیم للنشر، بیروت، ۲۰۱۸م.
۳۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۹م.
۳۴. مددی‌الموسوی، سیدمحمدکاظم؛ «فرضیه‌ای درباره حمل روایات بر تقیه از منظر شیخ طوسی»؛ فقه، سال بیست‌ویک، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳ش.
۳۵. مسلم، نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ بیروت، دار الفکر، بی‌تا.